



پروفیسر شہناز گل خان
پرنسپل جامعہ اسلامیہ اسلامیہ

بررسی میزان احساس بر خورداری از رفاه اجتماعی و عوامل

موثر بر آن

(مطالعه در بین شهروندان شهر اردکان)

رضا صفری شالی* ، محمد مهدی زاده اردکانی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱/۲۹

چکیده

رفاه اجتماعی نیازمند تغییرات مثبت در دو سطح مادی (عینی) و فرامادی (ذهنی) است و نتیجه آن باید بتواند به خلق آسایش اعضای جامعه منجر شود. همانطور که ابعاد مختلف توسعه (مثل توسعه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی) سعی در ایجاد رفاه اجتماعی برای شهروندان هر جامعه دارند، و از طرف دیگر وجود رفاه اجتماعی در هر جامعه خود شاخص اصلی توسعه و بازتولید کننده آن می باشد، لذا با توجه به وجه ایجابی و مطلوب رفاه اجتماعی، هدف از این نوشتار بررسی میزان احساس بر خورداری از رفاه اجتماعی و عوامل موثر بر آن در بین شهروندان شهر اردکان است. روش

* استادیار گروه جامعه شناسی دانشگاه خوارزمی (تریت معلم سابق). reza_safaryshali@yahoo.com

** کارشناس ارشد علوم اجتماعی (برنامه ریزی توسعه) دانشگاه علامه طباطبائی تهران. (نویسنده مسئول). mehdizadehardakani@gmail.com

مورد استفاده در این پژوهش جهت جمع‌آوری اطلاعات، روش پیمایش و با بهره‌گیری از تکنیک پرسشنامه می‌باشد. حجم نمونه پژوهش نیز برابر با ۳۸۵ نفر و به شیوه روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای (خوشه‌ای و تصادفی) است. متغیرهای مستقل این تحقیق، احساس امنیت، رضایت از زندگی، دینداری، احساس عدالت و تقدیرگرایی می‌باشد. نتایج توصیفی نشان داد که میزان احساس برخورداری از رفاه اجتماعی بیش از سه چهارم پاسخگویان در سطح متوسط رو به بالا ارزیابی شده است. یافته‌های استنباطی نشان داد تأثیر مجموع متغیرهای مستقل به غیر از تقدیرگرایی بر احساس برخورداری از رفاه اجتماعی مثبت است و مجموع متغیرهای مستقل ۷۵٪ از تغییرات متغیر احساس برخورداری از رفاه اجتماعی را تبیین می‌کند. لذا تحقق رفاه اجتماعی مستلزم برنامه‌ریزی دولتمردان به عنوان متولی سیاست اجتماعی در حوزه‌های آموزش، بهداشت، مسکن، اشتغال، معیشت و کاهش فقر می‌باشد. البته سازماندهی رفاه، نیازمند اقدامات سازمانهای دولتی و داوطلبانه، بازارهای کار، خانواده و... می‌شود.

مفاهیم کلیدی: احساس برخورداری از رفاه، دینداری، احساس عدالت،

تقدیرگرایی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

مسأله پژوهش

رفاه مفهومی گسترده و دارای سازماندهی پیچیده و چندبعدی است. لذا هر نوع تلاش برای نظریه‌پردازی درباره رفاه مستلزم توجه به دامنه‌ی وسیعی از فرایندها و فعالیت‌های اجتماعی است. به طوری که رفاه سطوح مختلف بازار کار، خانواده، دوستان، موسسات داوطلبانه و دولتی، موسسات خیریه، فعالیت‌های تفریحی و غیره را شامل می‌شود. برداشت بسیار کلی که اخیراً نیز مورد توجه بیشتری قرار گرفته است، رفاه را شامل حالتی می‌داند که در آن کلیه نیازهای مادی و معنوی و یا فردی و اجتماعی افراد یک

جامعه ارضاء شده باشد یا آن را نظام (سیستمی) از خدمات یا موسسات و یا نهادهای اجتماعی دانسته است که به منظور خدمت و کمک به افراد بوجود آمده است تا سلامت زندگی بهتر و زمینه روابط مناسب‌تری را فراهم آورد. این برداشت از رفاه اجتماعی، سایر واژه‌ها نظیر خدمات اجتماعی، تامین اجتماعی و... را نیز شامل می‌شود. اما برداشتی که رفاه اجتماعی را محدودتر دانسته و در مواردی آن را مترادف با خدمات اجتماعی قرار می‌دهند، برداشتی است که بطور کلی رفاه اجتماعی را شامل سیستم منظم خدمات اجتماعی می‌داند که برای کمک به افراد بوجود آمده است تا رضایت کامل و استاندارد زندگی مرفه را برای افراد جامعه تامین کند. رفاه اجتماعی دامنه وسیعی از فعالیت‌ها و برنامه‌هایی را که تحت نظارت و با کمک دولت برای بهزیستی افراد و جامعه انجام می‌شود، در برمی‌گیرد. در کتاب «فرهنگ و اصطلاحات کار و تأمین اجتماعی»، رفاه اجتماعی، به بهبود جامعه و به نوبه خود به بهبود وضعیت افراد، خانواده‌ها و اجتماعات تشکیل دهنده جامعه اطلاق می‌شود (هزارجریبی و صفری شالی، ۱۳۹۱).

آنچه که امروزه در ارتباط با مفهوم رفاه حائز اهمیت است، چندبعدی بودن مفهوم آن است به نحوی که تمام جنبه‌های زندگی انسان را در بر می‌گیرد و انسان به تأمین در دو حوزه آسایش و آرامش رسیده باشد. لذا ریشه اصلی مفهوم رفاه از خوب بودن شرایط و موقعیت افراد نشأت می‌گیرد. به این معنا که افراد یا موجودیت‌ها، هم از لحاظ درونی و هم از لحاظ بیرونی زندگی مطلوبی داشته باشند. از لحاظ درونی، افراد باید رفاه را به صورت ذهنی درک کنند، در عرصه بیرونی نیز باید شرایط عینی زندگی نظیر ثروت، بهداشت و ... را که زمینه ساز رفاه هستند، بهبود پیدا کند. لذا رفاه عینی در گام اول در احساس برخورداری از شرایط و موقعیت مطلوب خود را بیشتر نشان می‌دهد و این رفاه عبارت است از قدرت خرید و توانایی افراد در به دست آوردن امکانات زندگی است. در چنین شرایطی برخی از صاحب‌نظران به منظور کمی و محاسبه پذیر کردن رفاه، آن را مترادف با بهره‌مندی یا مطلوبیت در نظر می‌گیرند و آن

را با شاخص‌های عینی، (سطح درآمد، تغذیه و امکانات بهداشتی) مشخص می‌سازند. به عبارت دیگر رفاه افراد به شکل غیرمستقیم و با استفاده از ملاک‌های عمده مثل درآمد، سرانه، فقر، تولید ناخالص داخلی و ملی سنجیده می‌شود. اما در واقع این مفاهیم مادی به دلیل مشکلات خاص در اندازه‌گیری نمی‌توانند تمام جنبه‌های زندگی انسان را در برگیرند، لذا امروزه، ملاک‌های رفاه به جای تکیه بر یک بعد واحد، آنقدر پیش رفته و ابعاد گسترده‌ای مثل جنبه‌های اجتماعی و زیست محیطی، پیامدهای سلامتی و حقوق بشر را نیز شامل می‌شوند، اما همچنان لازم است تا ابعاد دیگری از رفاه مورد توجه قرار گیرد. به همین دلیل در دهه ۱۹۹۰ یافته‌های روان‌شناسان، محققان علوم اجتماعی و رفتاری برای سنجش و درک مفهوم رفاه ادراکات، شناخت‌ها، احساسات یا تجربه واقعی افراد به شکل مستقیم را به پژوهش‌های رفاه اجتماعی وارد کردند. بنابراین آنچه که امروزه در ارتباط با مفهوم رفاه حائز اهمیت است چندبعدی بودن مفهوم رفاه است تا بتواند تمام جنبه‌های زندگی انسان را در برگیرد (Gylyvary&Clark, 2006).

در این راستا یکی از جامع‌ترین تعاریفی که در ارتباط با رفاه ذهنی ارائه شده است، متعلق به دینر^۱ است. از نگاه وی، رفاه ذهنی یا احساس برخورداری از رفاه، شامل تمامی ارزیابی‌های مثبت و منفی‌ای می‌شود که مردم در مورد زندگی‌شان در هر جامعه دارند. بدین ترتیب رفاه ذهنی زمینه‌ساز احساس خوب و زندگی لذت بخش افراد است و زمینه را برای آرامش بیشتر فراهم می‌کند. البته در نگرش‌های نوین به مفهوم رفاه، باید معیارهای عینی و ذهنی را به صورت هم‌زمان و ترکیبی مورد توجه قرار داد. چرا که رفاه عینی با توجه به برخورداری از امکانات و منابع مادی برای افراد فرصت‌هایی را فراهم می‌کند و پتانسیل‌های مثبت محیط را به حداکثر می‌رساند و زمینه ساز آسایش می‌شود.

1. Diener

اما سؤال نوشتار حاضر این است که با توجه به رشد و گسترش صنعت در شهر اردکان در دهه‌های اخیر باید دید که سطح برخورداری از رفاه اجتماعی در این شهر چقدر است. زیرا حتی در میان افرادی که دسترسی بالایی به منابع مادی دارند، گروه‌هایی وجود دارند که میزان رضایت و احساس رفاه‌شان در زندگی پایین است و بالاخره شناخت این موضوع به مسئولان و دست‌اندرکاران این شهر کمک می‌کند تا در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها موجبات بالا رفتن سطح رفاه مادی و ذهنی افراد را در زندگی فراهم کنند. بدین ترتیب این سوال مطرح است که میزان احساس برخورداری از رفاه اجتماعی با توجه به ابعاد ذهنی و عینی (فرامادی و مادی) در بین شهروندانی اردکانی تا چه اندازه است؟ و چه عواملی باعث افزایش یا کاهش این احساس در بین این شهروندان می‌شود؟

پیشینه تجربی پژوهش

برای شناخت مولفه‌های احساس برخورداری از رفاه اجتماعی و عوامل موثر بر آن، لازم است که به چند نمونه از تحقیقات و پژوهش‌های مرتبط پرداخته شود: غفاری و تمیزی فر (۱۳۹۱) پژوهشی با عنوان «تبیین تحول ارزشی و ارتباط آن با نگرش‌های رفاهی»، انجام داده‌اند، بنیان نظری این تحقیق به بررسی آرا و نظرات اندیشمندان مختلف جامعه‌شناسی در سه حوزه ارزش، تحولات نسلی و رفاه ذهنی پرداخته است. جامعه آماری این پژوهش شامل سه نسل قبل از انقلاب (متولدین ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۸)، نسل انقلاب و جنگ (متولدین ۱۳۳۹ تا ۱۳۵۵) و نسل بعد از انقلاب (متولدین ۱۳۵۶ تا ۱۳۷۰) ساکن در شهر تهران است. نتایج بدست آمده حاکی از آن است که میزان گرایش به توجه ماورای خود در بین نسل‌ها از تفاوت معناداری برخوردار نیست و این ارزش‌ها تنها با رفاه ذهنی و رفاه شناختی نسل دوم ارتباط دارند. میزان تمایل به تغییرات در بین نسل‌ها از تفاوت معناداری برخوردار است.

میانگین گرایش به تغییرات نسل‌ها عبارتند از: نسل سوم، نسل دوم و نسل اول. آمادگی برای تغییر با رفاه احساسی نسل اول، رفاه شناختی نسل دوم و رفاه ذهنی نسل سوم رابطه دارد. میزان محافظه‌کاری در میان نسل‌ها از تفاوت معناداری برخوردار است. بدین ترتیب گرایش به محافظه‌کاری نسل‌ها عبارتند از: نسل اول، نسل دوم و نسل سوم. محافظه‌کاری با رفاه ذهنی نسل دوم و سوم رابطه دارد. میانگین گرایش به ارزش‌هایی که نشان از پیشبرد اهداف شخصی دارند در میان نسل‌ها از تفاوت معناداری برخوردار است. ترتیب گرایش به پیشبرد اهداف شخصی نسل‌ها عبارتند از: نسل سوم، نسل دوم و نسل اول. این ارزش‌ها با رفاه احساسی نسل اول و رفاه ذهنی نسل دوم و سوم رابطه دارد. در مجموع می‌توان گفت گرایش به ارزش‌های مختلف و احساس رفاه ذهنی در میان نسل‌ها دارای تفاوت است اما این تفاوت به گونه‌ای نیست که بتوان به آن عنوان شکاف داد.

غفاری و تاج‌الدین (۱۳۸۴) مقاله پژوهشی با عنوان "شناسایی مولفه‌های محرومیت اجتماعی تدوین نموده‌اند، در این پژوهش آمده است که محرومیت اجتماعی از مباحث مهم رفاه و سیاست اجتماعی است که در کنار موضوعاتی چون فقر، طرد و نابرابری اجتماعی قابل بررسی می‌باشد. هر چند که به لحاظ مفهومی و تجربی این مفاهیم تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند در این مقاله تلاش شده است با طرح ابعاد مفهومی، نظری و تجربی محرومیت اجتماعی موضوع در حوزه مورد مطالعه مورد آزمون تجربی قرار گیرد. با شناسایی شاخص‌های محرومیت اجتماعی با استفاده از تکنیک تحلیل عامل از میان عوامل مطرح شده مولفه‌های شناسایی شده عبارتند از: "بیگانگی اجتماعی، احساس شهروندی، تعامل اجتماعی و رضایت از زندگی". این مولفه‌ها با یکدیگر دارای تجانس و سازگاری درونی بوده که در مجموع سازنده سازه محرومیت اجتماعی هستند.

نخجوانی (۱۳۸۱) در پژوهشی با عنوان "رفاه اقتصادی خانوارهای کشور" انجام داده است در این پژوهش آمده که تغییر و تحولات رخ داده در کیفیت زندگی مردم

کشورهای توسعه یافته جهان را باید مرهون برنامه‌ریزیهای صحیح و شایسته گردانندگان اقتصاد این کشورها دانست. بی‌گمان با واگذاری همه امکانات کشور و دادن اختیار قانونگذاری و تعیین تکلیف برای همه به دست گروهی به عنوان گردانندگان جامعه، انتظار بر این است که اقتصاد ملی به گونه‌ای راهبردی شود که هر آینه رفاه اقتصادی و شرایط زندگی مردم بهبود یابد. بر این اساس، بررسی روند دگرگونی رفاه اقتصادی خانوادها طی زمان بسیار جالب به نظر می‌رسد و از آن می‌توان به عنوان شاخصی برای سنجش موفقیت مدیریت اقتصاد و میزان دستیابی به اهداف متصور راهکارهای توسعه بهره جست. بررسی‌های صورت گرفته در این نوشتار نشان می‌دهد که رفاه اقتصادی خانوارهای کشور در دو دهه اخیر دچار افت و بحران هشدار دهنده‌ای بوده است. بررسی سال ۱۳۸۰ به طور مشخص نیز نشان این واقعیت است که این روند نگران کننده با وجود افزایش درآمدهای نفتی در پایان دهه هفتاد و بهبود نسبی شرایط اقتصاد ملی، تداوم داشته است. شکاف رفاهی میان خانوارهای شهری و روستایی رو به افزایش است. بدیهی است که باید آثار این فقر و کاهش رفاه اقتصادی را در مسائل و مشکلات اقتصادی و اجتماعی کشور جست و جو کرد. چنانچه برای این معضل چاره‌اندیشی نشود، شرایط اشاره شده نامناسب تر خواهد شد (نخجوانی، ۱۳۸۱: ۷۲-۷۳).

پژوهشی با عنوان "رفاه اجتماعی و توسعه (مروری بر کارکرد برخی نهادهای حمایتی در ایران)" توسط حق جو (۱۳۸۱) انجام گرفته است، در این پژوهش آمده است که چیرگی بر «فقر» همواره برای دولت‌های عدالت گرا به مثابه یک هدف راهبردی (استراتژیک) مطرح است. به همین سبب، سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه تأکید بر «توزیع» و «برابری» داشته و این قبیل حکومت‌ها به تعدیل فاصله طبقاتی اهتمام می‌ورزند. در ایران نیز از آغاز سال ۱۳۷۵ به این سو شاهد نوسان‌های زیادی در سیاستگذاری‌ها بوده‌ایم.

وجود تورم پنهان و آشکار، شرایط مساعد «رانت خواری»، ساختار ناسالم اقتصادی، جنگ نه ساله، نظام مدیریتی ناکارآمد و ختنی، رشد لجام گسیخته مشکلات اجتماعی (بیکاری، اعتیاد، ...)، گسترش کمی جمعیت زیر خط فقر، ... وضعیت نامطلوبی را به شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور تحمیل کرده و مقوله «رفاه اجتماعی» را به حاشیه عقب رانده است. گرچه در خلال این دوران برای حفظ حداقل‌های زیست همگانی تلاش‌هایی صورت گرفته است، اما روندها نشان می‌دهد برآیند و نتیجه نهایی فعالیت‌ها کافی نبوده جا دارد برای مهار «فقر گسترده» در «نظام تأمین اجتماعی» و «رفاه ملی» تجدید نظر صورت گیرد. این مجموعه به نهادهایی اختصاص یافته که به امور معیشت گروه‌های تهیدست و کم توان اقتصادی می‌پردازند و فعالیت‌های آنان بررسی شده است. در واقع هدف از این بررسی تأثیر کارکرد این نهادها و مؤسسات، ... در مقوله «رفاه عمومی» و «کاهش فقر» بوده تا به این طریق نقش نهادهای حمایتی بهتر تبیین و تحلیل شود.

موسی خانی (۱۳۷۹) در پژوهشی با عنوان "تجزیه تحلیل رفاه اجتماعی در ایران"، به عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته علوم اقتصادی دانشگاه شیراز انجام گرفته است، در این رساله سه هدف مورد نظر قرار گرفته است. هدف اول بررسی وضعیت رفاه اجتماعی در کشور و روند تغییر آن برای خانوارهای مختلف می‌باشد که به این منظور از دو شاخص رفاه اجتماعی سن و شاخص رفاه اجتماعی "کاکوانی" استفاده شده است. هدف دوم سنجش میزان نابرابری درآمدی برای خانوارهای کشور در سال‌های مورد نظر می‌باشد که برای اندازه گیری آن از دو شاخص "نابرابری تیل" و "ضریب جینی" استفاده شده است. هدف سوم بررسی اثر افزایش قیمت‌ها (تورم) بر رفاه اجتماعی است که در این قسمت شاخص قیمتی مصرف کننده برای تعدیل هزینه (درآمد) خانوارها مورد استفاده قرار گرفته است. شاخص‌های فوق در چهارسال بین دوره ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۶ و در هر سال برای بیش از ده هزار خانوار و به تفکیک مشاغل مورد سنجش و محاسبه قرار گرفته و نتایج سال‌های

مختلف با یکدیگر مقایسه شده‌اند. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که از سال ۱۳۶۳ به ۱۳۶۸ شاخص‌های واقعی رفاه، افزایش کمی نشان داده و شاخص‌های نابرابری کاهش یافته‌اند. از سال ۱۳۶۸ به ۱۳۷۲ برای شاخص‌های رفاه بالاترین درصد افزایش با مقادیر اسمی و واقعی مشاهده شده و شاخص‌های نابرابری نیز بهبود یافته‌اند و از سال ۱۳۷۲ به ۱۳۷۶ به دلیل افزایش بیش از حد قیمت‌ها مقادیر واقعی رفاه کاهش یافته و نابرابری در این دوره افزایش یافته است.

کاپتین^۱ و هرواردن^۲ (۱۹۸۰) مقاله‌ای تحت عنوان "توابع رفاه وابسته به یکدیگر و سائز (اندازه) بهینه توزیع درآمد" به نگارش درآوردند. آنها برای کار تجربی خود از اطلاعات کشور هلند استفاده کردند و از تابع رفاه درآمد (WFI) بهره جستند. در این مطالعه جمعیت کشور برحسب متغیرهای جمعیتی طبقه‌بندی شده که شامل ۷ زیرگروه می‌باشد؛ تحصیلات، محیط کار، نوع کار، درجه شهرنشینی، سن جغرافیای محیط زندگی (شمال یا جنوب کشور) و... آنگاه در هرکدام از این زمینه‌ها نیز چند زیرمجموعه در نظر گرفته شد. به عنوان نمونه برای تحصیلات چهار مقطع در نظر گرفته شد و برای هرکدام از زیرمجموعه‌های مجموعه اصلی آن سطح از درآمد که رفاه فرد را حداکثر می‌کند، محاسبه شده است و به مقایسه آن با سطح واقعی درآمد پرداخته شده است برای این کار سه فرض در نظر گرفته شد:

الف- مطلوبیت فقط تابعی است از درآمد قابل تصرف خانوار.

ب- اثر توزیع درآمد بر تولید و عرصه نیروی کار نادیده گرفته شده و فرض شده است که اندازه درآمد ملی متأثر از تغییرات توزیع درآمد نیست.

ج- به جای درآمد دوره زندگی، درآمد سالانه در نظر گرفته شده است (موسی خانی، ۱۳۷۹: ۳).

1. kaptyn
2. Hrvardn

مانلی^۱ (۲۰۰۱) در مقاله‌ای پژوهشی با "عنوان بهزیستی اجتماعی در بریتانیا" در طی سال‌های ۱۹۹۱-۲۰۰۱ بیان می‌کند که شواهد به‌دست‌آمده در زمینه سیاست‌گذاری رفاهی نشان می‌دهد که رفاه دارای ابعاد گوناگون، پراکنده و مبهم است. با توجه به ملاحظات، پژوهشات گذشته در زمینه تأثیرات برنامه‌های رفاهی مختلف به عنوان معیار مهمی در بررسی جوامع فردی و اجتماعی شناخته شده است که میتواند اساس مقدماتی برای ارزشیابی مقایسه‌ای را فراهم کند. علاوه بر آن، در این پژوهشات توجه کمی به مواردی همانند اینکه "چگونه سطوح مختلف برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی بر روی مردم تأثیر می‌گذارد، شده است". با وجود این امر، سیاست‌گذاری دولت در امر مسکن در طی ۲۰ سال گذشته منجر به سیاست‌اجاره‌داری مختلف، در پیشرفت و تولید مجدد انبوه مسکن شده است که با در نظر گرفتن حقوق در امر سیاست‌گذاری است که حذف مشکلات اجتماعی در هنگام مواجهه با مشکلات در بخش‌هایی که مزایای خاصی ندارند، مورد بررسی قرار می‌دهد. در این مقاله به وضوح تأثیر سیاست‌های رفاهی مختلف به دنبال توانایی‌هایشان به منظور بهبود بهزیستی اجتماعی با توجه به سوالات مربوط به معیار برنامه‌ریزی مختلف مطرح شده است. اطلاعات بدست‌آمده در این زمینه در بین سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۱ براساس آمارهای مربوط به کشور بریتانیا نشان داده شده است، مواردی مانند میزان اشتغال و در مقابل آن میزان بیکاری، کاهش بیماری‌های طولانی مدت و ثبت‌های مهم (مرگ و میر استاندارد و مرگ و میر قبل از بلوغ)، در مجموع این پژوهش، یک سوی تجزیه و تحلیل‌ها در بریتانیا را شامل می‌شود، که به تأثیر معیارها و برنامه‌های رفاهی می‌پردازد

بلیز^۲ (۲۰۰۵) در گزارش پژوهشی به بررسی "ارزیابی‌های گوناگون از رفاه" در طی چند سال اخیر پرداخته، در این گزارش به بررسی موضوعاتی مانند تولید درآمد داخلی به عنوان ارزیابی‌کننده رفاه پرداخته شده است چنین به نظر می‌رسد که بعضی

1. Manley
2. Belize

مشکلات در کشورهای در حال توسعه افزایش یافته است. سه روش مختلف جهت بررسی میزان رفاه اجتماعی در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد. اولین روش شامل بسط حساب داخلی ای است که نسبت رفاه را به صورت تئوری در نظر می‌گیرد. دومین روش مواردی ابتدایی (مانند تحصیل، مراقبت‌های ویژه) را به عنوان نشانگرهای اجتماعی ارزیابی می‌کند. و در روش آخر با توجه به داده‌های بدست آمده از چند آزموده، حالات روانی بررسی می‌شود. در روش اول شاخص تداوم رفاه اقتصادی به طور مفصل مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد و در نهایت، روشی برای پیشبرد و حمایت از سایر روش‌ها مطرح می‌کنیم که به ارزیابی میزان رفاه پرداخته و شامل اطلاعاتی می‌شود که در روش‌های دیگر نمی‌توان یافت.

برادبورن^۱ و کاپلوویتز^۲ از مرکز ملی بررسی افکار (NORC) آمریکا از اولین کسانی بودند که دست به سنجش احساس خوشبختی مردم زدند. اعتبار و روایی بالای سنجش آنها محققان دیگر را نیز به سوی سنجش و بررسی این مفهوم جلب کرد، رفته رفته سنجش احساس خوشبختی به یکی از مهمترین مضامین پژوهشی تبدیل شد. اهمیت این سنجش در سیاستگذاری و برنامه‌ریزی‌های ملی دولت‌ها را به حمایت گسترده از این دست پیمایش‌ها سوق داده، از دهه ۱۹۷۰ علاوه بر آمریکا در اروپا نیز به طور مرتب و سالانه پیمایش‌های ملی برای سنجش خوشبختی و احساس برخورداری از رفاه مردم صورت می‌گیرد. دامنه این پیمایش‌ها به سطح بین‌المللی هم کشیده شده است؛ به عنوان مثال، موسسه گالوپ در سال ۱۹۷۶ دست به اجرای یک پیمایش بین‌المللی بسیار جالب در باب رضامندی مردم از زندگی در ۶ کشور مختلف جهان متشکل از کشورهای غیر کمونیست زد. او در این پیمایش از یک مقیاس کوهی استفاده کرد که شباهت بسیار به «مقیاس نردبانی واتز و فری» داشت. نتیجه‌های این

1. Bradborn
2. Kaploytz

پیمایش نشان می‌دهد که مناطق ثروتمند جهان معمولاً سطوح میانگین بالاتری از خشنودی و رضامندی دارند.

تومن^۱ در پژوهشی تحت عنوان تأثیر روزهای هفته بر رفاه ذهنی: آیا این یک موضوع گزینشی است به بررسی شاخص‌های مورد استفاده در تعیین تأثیر روزهای هفته بر رفاه ذهنی می‌پردازد. در این تحقیق مشخص می‌شود که اشخاص خود آگاه تمایل به سطوح رفاه بالاتر در روزهای خاصی از هفته نسبت به مابقی روزها را دارند. این تحقیق بر دو پایه‌ی متمایز رفاه اجتماعی رضایت شغلی و شاد بودن تمرکز دارد. در این تحقیق مشخص می‌شود در تعیین روزهای هفته بر رفاه ذهنی از یک جهت‌گیری خاصی استفاده شده و باید به صورت محتاطانه با آنها برخورد شود.

در جمع‌بندی باید گفت که از پژوهش‌های انجام شده داخلی و خارجی در این متغیرهایی مانند برابری در توزیع درآمد و منابع، احساس خوشبختی و رضایت و جایگاه آنها در رفاه اجتماعی، محرومیت اجتماعی، احساس بیگانگی اجتماعی و... قابل استخراج است که سعی خواهد شد بعد از مطالعه چارچوب نظری و رسیدن به اتقان نظری از متغیرهایی مذکور در پژوهش حاضر استفاده کرد و آنها را در جامعه مورد مورد آزمون مطالعه قرار داد.

چارچوب نظری پژوهش

رفاه از جمله مفاهیمی است که بعد از وقوع رنسانس، انقلاب صنعتی و رشد تفکرات انسان محور مورد توجه صاحب‌نظران، سیاستمداران و مردم در حوزه‌های اقتصاد، سیاست و اجتماع قرار گرفت. این مفهوم در ذات خود، آکنده از پیچیدگی‌ها و ابهامات است. با وجود آنکه در عرصه‌ها و دوره‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته اما همچنان هیچ تعریف جامع و قابل قبول جهانی برای آن وجود ندارد؛ و به دلیل زمینه‌های

1. tumen

متفاوت مفهومی، تاریخی و تعدد نحوه نگرش به این مفهوم در دیدگاه‌ها و مکاتب مختلف، غالباً تفاسیر متفاوتی از آن ارائه شده است.

یکی از تمایزهای مهم در سیاست اجتماعی تمایز دو مفهوم رفاه و بهزیستی است. اولین گام در تمایز این دو مفهوم از هم شناختن عناصر زبان‌شناختی آن است: مفهوم بهزیستی (Well-being) از دو واژه well (خوب) و being (بودن، هستی) تشکیل شده که در کل به معنای خوب بودن (Being well) می‌باشد. در واقع، بهزیستی به موضوع زندگی خوب^۱ پرداخته و یک سازه ترکیبی است. مفهوم رفاه (Welfare) از دو واژه wel (خوب) و fare (گذرانیدن) تشکیل شده و به «خوب‌گذرانی» (Faring well) اشاره دارد. این مفهوم اوایل عمدتاً با دولت رفاه همراه بود و هر جا صحبت از رفاه می‌شد، مفهوم «رفاه» به ذهن متبادر می‌شد. یعنی مفهوم رفاه با تحقق کارکردهای دولت رفاه همراه بود. نکته مسلّم در تمایز این دو مفهوم آن است که بهزیستی یک مفهوم عام و با شمول بیشتری است که مفهوم رفاه در آن قرار می‌گیرد. بدیهی است که در این معنا، مفهوم بهزیستی می‌تواند دسته‌بندی‌های فرعی مانند بهزیستی ذهنی^۲ و بهزیستی عینی^۳ را در بر بگیرد. همچنین، مفهوم رفاه نیز دقیقاً تقسیم‌بندی‌های مشابهی چون رفاه ذهنی^۴ و رفاه عینی^۵ را دارد (غفاری و حبیب‌پور گنابی، ۱۳۹۳: ۱۴۲).

البته بسیاری مانند «وود و نیوتن»^۶ (۲۰۰۵) معتقدند که در جامعه مدرن، سیاست اجتماعی باید از رفاه به سمت بهزیستی حرکت کند و طبیعی است که این جریان، دستورالعمل جدیدی را برای سیاست اجتماعی به همراه دارد. دستورالعملی که بسیاری از مفاهیم آن نیازمند تعریف مجددند. به همین سیاق، جُردن^۷ (۲۰۰۸) نیز به گذار از

-
1. good life
 2. subjective well-being = SWB
 3. objective well-being = OWB
 4. subjective welfare = SW
 5. objective welfare = OW
 6. Wood and Newton
 7. Jordan

«بهبودی» به «رفاه» اعتقاد دارد و اشاره می‌کند که بهبودی به ما اجازه می‌دهد تا نه تنها به استفاده و مطلوبیت اقتصادی، بلکه به ارزش اجتماعی^۱ نیز توجه کنیم. بهبودی روابط فردی، اعتماد و مشارکت را دربرمی‌گیرد و بر ایجاد و مبادله ارزش‌های اجتماعی از طریق فرهنگ تا ایجاد ارزش‌های اقتصادی صرف از طریق قرارداد تأکید دارد (همان: ۱۴۲).

به طور کلی می‌توان "احساس برخورداری از رفاه" را توصیف وضعیت و موقعیت زندگی افراد از ترتیبات اجتماعی پیشرفته نظیر آموزش، مراقبت‌های درمانی و بهداشتی، معیشت، مسکن، اشتغال، امنیت درآمد برای همگان خصوصاً سالمندان، ناتوانان و... دانست (Gylyvary & Clark, 2006: 14).

نظریه‌پردازی در باب رفاه اجتماعی از چندین جنبه‌ی مشخص صورت می‌پذیرد. در یک معنا، رفاه اجتماعی به عنوان «بهبودی» تعریف می‌شود، به طوری که در برخی متون اصطلاح رفاه به معنی بهبودی نیز در نظر گرفته شده است و به احساس راحتی و بهبود وضعیت و همچنین کیفیت زندگی بالا اشاره دارد (گولد، ۱۳۷۶: ۴۴۰). به عبارتی دیگر، در چارچوب سطوح بهداشت، امنیت، خوشبختی مادی و مشارکت و غیره که اعضای یک جامعه، چه به صورت فردی و چه به صورت جمعی، تجربه می‌کنند، اشاره دارد. اساساً، می‌توان سطوح رفاه تجربه‌شده‌ی افراد و گروه‌ها را از رهگذر بکارگیری مقیاس‌هایی ارزیابی کرد که در آن "ثروت"، "امنیت" یا "مشارکت"، برای مثال، قابل اندازه‌گیری است. محققان از طریق ترکیبی از داده‌های آماری درباره‌ی توزیع درآمد، مرگ و میر یا نرخ‌های بیماری به اضافه معیارهای خودارزیابی رضایت، امنیت شخصی یا عمل اجتماعی به مطالعه‌ی اثر برنامه‌های مشخص سیاست‌گذاری بر جمعیت‌های معین پرداختند. به مرور، پژوهش‌های ارزیابی از این دست پیچیده‌تر شده‌اند، به گونه‌ای که ابعاد احساسات، عقاید و همین‌طور داده‌های انتشاریافته‌ی رسمی درباره‌ی درآمد، میزان بیماری یا استقبال عمومی از خدمات را در بر می‌گیرند.

(O'brien & penna, 1998: 7)

در مفهوم دوم، رفاه اجتماعی نظامی از روابط اجتماعی و نهادی را شامل می‌شود که از طریق آن افراد رفاه فردی یا جمعی خود را تضمین یا حفظ می‌نمایند. بدین معنی که در اینجا رفاه به ابزارها و شرایطی اشاره دارد که در آنها و از طریق آنها یک جمعیت کم و بیش سالم‌تر، ثروتمندتر یا ایمن‌تر در طول زمان باز تولید می‌شود (یا بازتولید نمی‌شود). در عمل، این نظام را می‌توان به روش‌های مختلف بسیاری توصیف کرد. نهادها و شبکه‌های دولتی / خصوصی، رسمی / غیررسمی که انواع و سطوح متفاوت منابع و خدمات را عرضه یا به دست می‌دهند ممکن است کانون توجه باشند. در عوض، ممکن است این تأکید مبتنی بر پیوندهای میان لایه‌های ساختار اجتماعی - نظیر سیاست، اقتصاد، و فرهنگ - و الگوهای عمل اجتماعی مانند الگوهای اجبار، مبادله یا نمادسازی باشد. در مفهوم یا معنای سوم، رفاه اجتماعی می‌تواند به صورت یک گفتمان مفهوم سازی شود - این معنای سوم رفاه به چندین روش مختلف نیز توصیف می‌شود. در اینجا، برای سهولت و شفافیت بیشتر "گفتمان رفاه اجتماعی" متشکل از سازمان یا ماتریسی از دانش‌ها است (همان، ۱۳۹۶) که تحقق عدالت (رعایت اصل برابری، استحقاق‌ها و چتر ایمنی) دال مرکزی آن را تشکیل می‌دهد (صفری شالی، ۱۳۹۲). یک گفتمان رفاه اجتماعی تعریفی از جهان از دو جنبه‌ی مفهومی و مادی این اصطلاح را به دست می‌دهد. بدین ترتیب این گفتمان در قالب نظریه‌ها و روش‌های فهم پیوند بین عمل‌ها، نهادها و دانش‌ها در سیاست‌ها و برنامه‌های رفاه اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد.

پتریک^۱ (۱۳۸۱: ۲۰-۲۷) رفاه اجتماعی را در ارتباط با مفاهیمی از قبیل احساس شادکامی، تأمین، ترجیحات (اولویت‌ها)، نیازها، استحقاق و مقایسه‌های نسبی می‌سنجد. به عقیده وی، شادکامی در دو بُعد یا وجه سطحی و عمقی معنا پیدا می‌کند. سطح عمیق‌تر که حالتی از رضایت و خرسندی در آن نهفته است در اینجا مد نظر است.

نیازها و تأمین آنها نیز به احساس امنیت، داشتن درآمد، شغل، مسکن برمی‌گردد. استحقاق نیز به این مسأله می‌پردازد که کسی که به اندازه استحقاقش یا زحمتش پاداش دریافت کند از رفاه و بهروزی نسبی برخوردار است و بالاخره مقایسه نسبی که بر طبق آن رفاه افراد در ارتباط با دیگران سنجیده می‌شود. به عبارت دیگر رفاه به نوعی با این حقیقت که آدمی خود را مرتباً با دیگران مقایسه می‌کند پیوند دارد. پتریک معتقد است که تمام این شش مفهوم در ارتباط با هم معنا دار می‌باشند و هیچکدام به تنهایی معرف مناسبی برای شاخص رفاه نمی‌باشد.

همچنین رفاه دارای ابعاد مادی و غیرمادی است، در ابتدا بعد مادی رفاه دارای اهمیت می‌باشد، زیرا ابعاد مادی (مثل خوراک، پوشاک، مسکن و...) دارای ویژگی عینی بوده و معمولاً نیازهای فرامادی بعد از نیازهای مادی خود را نشان می‌دهند یکی از ابعاد غیرمادی رفاه اجتماعی، اعتماد نهادی است. که جایگاه ممتازی در تبیین مشارکت شهروندان دارد. به همین خاطر است که در سال‌های اخیر، جامعه‌شناسانی نظیر لوهمان^۱، باربر^۲، اعتماد را در مرکز تحلیل‌های جامعه‌شناختی خود قرار داده و تأثیر آن را بر مشارکت شهروندان حیاتی خوانده‌اند. دومین بعد از ابعاد مهم غیرمادی رفاه اجتماعی، احساس محرومیت نسبی است. دیویس^۳، ادعا می‌کند احساس محرومیت نسبی زمانی اتفاق می‌افتد که یک شخص احساس کند آن وضعیت و شرایط قابل دستیابی است ولی به آن دسترسی پیدا نکرده است. گروسبی^۴، خاطرنشان می‌سازد که وضعیت نابرابر حاکم بر اجتماع می‌تواند به احساس محرومیت نسبی بیانجامد. اگر محرومیت را به معنای برآورده نشدن نیازهای ضروری و حیاتی انسان در نظر بگیریم، در این صورت شامل نیازهای مادی و معنوی انسان‌ها خواهد شد که به صورت جریانی مستمر می‌باید همواره مورد توجه قرارگیرد. لذا محرومیت می‌تواند

-
1. Luhman
 2. Barber
 3. Davis
 4. Grosby

معنای وسیعی را در بر بگیرد که هر نوع نیازی اعم از ضروری و غیر ضروری و واقعی و کاذب را شامل می شود، اما محرومیت بیشتر در معنایی که گفته شد به کار می رود؛ به عنوان مثال وقتی از کشورها یا ملت های محروم و..... سخن به میان می آید. در این رابطه نظر به کشورهایی است که اکثریت جمعیت آنها را افرادی تشکیل می دهند که در تامین نیازهای اولیه زندگی مانند غذا با مشکل روبرو هستند. محرومیت نسبی به عنوان تصور وجود تفاوت میان انتظارات ارزشی^۱ انسان ها و توانایی های ارزشی^۲ آنها تعریف می شود. انتظارات ارزشی، کالاها و شرایط زندگی ای هستند که مردم خود را مستحق آنها می دانند. توانایی های ارزشی، نیز کالاها و شرایطی هستند که آنها فکر می کنند عملاً توانایی کسب و حفظ آنها را دارند. موضوع فوق بر برداشت ذهنی از محرومیت تاکید دارد. مردم ممکن است به طور ذهنی با توجه به انتظارات شان احساس محرومیت کنند، اما یک ناظر عینی آنان را نیازمند قلمداد نکند.

در جهان امروز رفاه اجتماعی بخشی از زندگی و فرهنگ انسان تلقی می شود و گسترش نظریه های انسان دوستی با تاکید بر مسؤولیت همگان نسبت به یکدیگر و همچنین پیشرفت علوم اجتماعی و زیستی، در پیدایش نگرش های جدید در خصوص رفاه اجتماعی و تأثیر آن بر فعالیت های اجتماعی مؤثر بوده است. بنابراین می توان ادعا کرد که نیازهای اساسی از مقوله معیشت فراتر رفته و زمینه های غیرمادی را نیز شامل می گردد و به همین خاطر است که دو بُعد اساسی برای رفاه (بعد مادی و غیرمادی) در نظر گرفته شده است.

در مجموع رفاه اجتماعی مجموعه سازمان یافته ای از قوانین، مقررات، برنامه ها و سیاست هایی است که در قالب مؤسسات رفاهی و نهادهای اجتماعی به منظور پاسخگویی به نیازهای مادی و معنوی و تأمین سعادت انسان ارائه می شود تا زمینه رشد و تعالی او را فراهم آورد (زاهدی اصل، ۱۳۸۱: ۱۶). در این تعریف رفاه امری سازمان

1. Value expectations
2. Value capabilities

یافته تلقی می‌شود که از طریق مقررات دولتی و برای تأمین و رفع نیازهای همه جانبه انسان در ابعاد مادی و معنوی در جهت تحقق هدف اصلی رفاه اجتماعی یعنی احساس رضایت فرد از زندگی صورت می‌گیرد. بدین منظور برای برقراری رفاه بایستی ابتدا انسان را با تمامی ویژگی‌ها و ابعادش شناخت تا برنامه‌های رفاه اجتماعی و توسعه را با نیازهای این موجود ناشناخته وفق داد و اولویت‌ها و انتخاب‌های او را در دستور کار خود قرار داد. لذا مقدمه تفکر در رفاه اجتماعی، شناخت نیازها و گرایش‌های انسان است. بدین ترتیب در تعریف رفاه اجتماعی، باید به سه مفهوم محوری توجه کرد:

اول: حل یا کنترل مسائل اجتماعی: به این معنا که برنامه‌های رفاه اجتماعی باید در بر دارنده راه‌هایی برای کاهش مسائلی مانند خشونت، استعمال مواد مخدر، خودکشی، فقر و ... در جامعه باشد.

دوم، تأمین نیازها: یعنی برنامه‌های رفاه علاوه بر توجه به نیازهای زیستی، مسکن، آموزش، اشتغال و بهداشت، باید به دیگر نیازهای بشری که برای کیفیت زندگی سالم، سلامت جسمی و روانی افراد جامعه لازم است، توجه کنند.

سوم، تأمین فرصت‌های برابر: بدین معنا که افراد برای کسب درآمد و شغل، آموزش و ارتقای اجتماعی، صرف‌نظر از موقعیت فردی از شرایط برابر برخوردار باشند (نصیری، ۱۳۸۳: ۳۰۱).

زمانی که تمام این ابعاد، هماهنگ با یکدیگر تأمین شد؛ خانواده، گروه و جامعه از سطح رضایت بخش رفاه بهره می‌برند. در این حالت رفاه اجتماعی مجموعه شرایط و کیفیت‌هایی است که نیازهای فردی و اجتماعی آحاد جامعه را در حد قابل قبولی تأمین کرده، به طوری که همه مردم از زندگی در آن شرایط احساس امنیت زیستی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی داشته باشند (سازمان بهزیستی، ۱۳۷۹: ۱۱۴). بدین ترتیب باید گفت که احساس برخورداری از رفاه اجتماعی که در این نوشتار مدنظر است، در قالب رفاه ذهنی قرار می‌گیرد، پس به احساسات، ادراک‌ها، شناخت‌ها و تجارب همان فردی

مربوط می‌شود که وی را به لحاظ میزان احساس رفاه مورد سنجش قرار می‌دهیم. پس رفاه ذهنی به آن شخص یا خویشتن او وابسته است. در ادامه جهت جلوگیری از اطناب کلام و داشتن رویکرد ترکیبی در تدوین چارچوب نظری تحقیق باید خاطر نشان ساخت که نظریات مورد استفاده به شرح ذیل هستند:

آبراهام مازلو^۱ به عنوان یک روانشناس نیازهای انسانی را نوع مخصوصی از غرائز می‌داند که در حیوانات یافت نمی‌شود. اغلب علمای روانشناس درباره نیازها سخن گفته‌اند اما نظریات مازلو درباره نیازها و سلسله مراتب نیازها^۲ در انسان از اهمیت خاصی برخوردار است بدین جهت در آغاز به ذکر نظریات این دانشمند می‌پردازیم.

بر اساس «نظریه سلسله مراتب نیازهای مازلو» نیازهای انسانی به ۵ دسته به شرح زیر تقسیم می‌شوند:

۱- نیازهای فیزیولوژیک یا جسمانی^۳

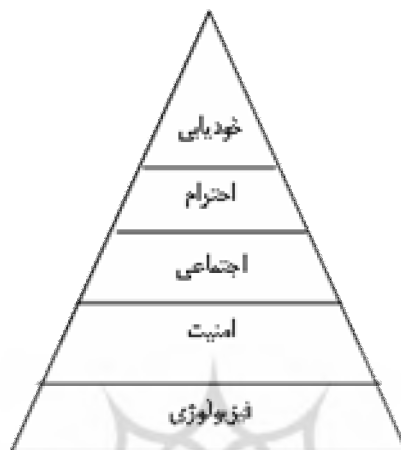
۲- نیاز به امنیت و اطمینان^۴

۳- نیازهای اجتماعی یا تعلق به دیگران^۵

۴- نیازهای من یا صیانت ذات، نیاز به احترام^۶

۵- نیازهای خودیابی و تحقق خویشتن^۷

-
1. Abraham Maslow
 2. Hierarchy of Needs
 3. Physiological Needs
 4. Safety Need
 5. Social Needs
 6. Esteem or ego Needs
 7. Self Actualization Needs



نمودار ۱- سلسله مراتب نیازها

مازلو در نظریه سلسله مراتب نیازها و در سر تا سر کتاب انگیزش و شخصیت، مفهوم «رضایت» را مترادف با «ارضاء نیاز، تأمین نیاز و رفع نیاز» می‌داند. ارضاء نیاز شامل حالاتی مانند هوشیاری، نیرومندی، چالاکی، لذت و پاداش است. نیازهای فیزیولوژیک شامل نیازهایی مانند غذا، پوشاک، مسکن، بهداشت و غیره می‌شود که انسان بدون ارضاء آنها قادر به زندگی نیست. و در پژوهشات اجتماعی برای بررسی شرایط عینی افراد می‌توان از داشتن هر یک از موارد فوق سوال نمود. این نیاز در مقام مقایسه با نیازهای مراتب بالا محدودتر، محسوستر، آشکارتر و خودآگاه‌تر است. مازلو این نیاز را در رأس نیازها قرار داده است و معتقد است تا زمانی که این احتیاجات اساسی تا آن حد ارضاء نشوند که انسان بتواند ماشین بدنش را به کار بیندازد بیشتر فعالیت‌های انسان احتمالاً در همین سطح بوده و بقیه فعالیت‌های دیگر نیز انگیزش ایجاد نمی‌کنند. پس از ارضای یک سطح از نیازها، نیازهای سایر سطوح، اهمیت پیدا می‌کنند و آنها خواهند بود که بر رفتار شخص تسلط خواهند یافت تا به پائین‌ترین سلسله مراتب برسیم. به طور عادی و معمولی در جامعه پاره‌ای از نیازهای اساسی افراد ارضاء می‌گردد و پاره‌ای دیگر ارضاء نشده باقی می‌ماند. به زعم مازلو

درصد رضایت افراد در برآوردن نیازها به تدریج افزایش پیدا می‌کند و با گذشت زمان درصد ارضای نیاز بیشتر می‌شود و این امر با انتظارات افراد رابطه مستقیم دارد (مازلو، ۱۳۶۷: ۹۱).

مازلو در مورد اینکه هر کدام از نیازهای انسانی در افراد مختلف تا چه حد ارضا شده و موجب رضایت از زندگی در افراد می‌شود معتقد است نیازها در افراد مختلف متفاوت بوده و نسبی‌اند. نیازهای هیچ کسی در تمام موارد و به طور کامل ارضاء نشده و هیچ‌کس تاکنون، به رضایت کامل نرسیده است.

اما نظریه دیگری که در این زمینه می‌توان مطرح کرد، نظریه انصاف^۱ آدامز است. براساس این نظریه، مفهوم انسان اقتصادی به طور گویائی کلیه جنبه‌های انسان را بازگو نمی‌کند از این رو باید به دنبال مفاهیم دیگری باشیم که به نحو مؤثری مبانی انگیزشی و رفتاری انسان را مورد توجه قرار دهد.

اساس این نظریه مبتنی بر ادراک فرد از شغل خود بوده و چگونگی رفتار او را در برابر سازمان بیان می‌دارد. بنابراین نظریه، هر فرد خصوصیات و قابلیت‌هایی چون تجربه و تبحر، تحصیلات، هوش، استعداد، سن و سوابق کاری را با خود به سازمان (یا محیط زندگی و فعالیت خود) می‌آورد و در مقابل انتظار دارد سازمان یا محیط بیرون نیز متناسب با این خصوصیات، مزایا و پاداش‌هایی را در اختیارش قرار دهد. چنانچه شخص احساس کند که بین این دو دسته عوامل نوعی برابری و همپایگی موجود است، این امر در او آرامش و رضایت ایجاد می‌کند. به عبارت دیگر بشر همیشه در پی آن است که با او به طور منصفانه رفتار شود.

در این نوشتار به جای سازمان کار، مقوله جامعه و به جای پاداش‌ها و مزایای سازمان، مقوله امکانات و تسهیلات منطقه سکونت قرار داده شده و از این طریق نظریه انصاف، مورد آزمایش قرار گرفته است.

در اینجا احساس برابری بین «داده»^۱ یا آنچه فرد وارد جامعه کرده است (نظیر سن، نیروی کار خود، مهارت‌های خود) با «ستاده»^۲ یا آنچه که فرد از جامعه دریافت کرده است (نظیر شغل، درآمد بیشتر، امکانات رفاهی، آموزشی و بهداشتی محل، امکان رشد و پیشرفت و بهره‌مندی از تسهیلات و امتیازات مختلف) موجب رضامندی از زندگی است. این احساس برابری گاهاً در مقایسه خود با دیگران حاصل می‌شود، در صورتی که فرد در مقایسه خویش با افراد هم سطح خود احساس کند که دیگران وضعیت مناسبتری پیدا کرده‌اند احساس نارضایتی خواهد کرد.

نظریه برابری نیز راهنمای مناسب دیگری برای تبیین احساس رفاه است. این تئوری نیز تا حدودی به تئوری مبادله نزدیک است. زیرا در اینجا هم سخن از داده و ستاده است از این رو از تئوری فوق تحقق عدالت را در سه بعد (استحقاقی، رویه‌ای و توزیعی) نشان می‌دهد.

از جمله نظریه‌های مطرح دیگر در ارتباط با پژوهش حاضر، نظریه محرومیت نسبی^۳ است براساس این دیدگاه انسان‌ها عموماً به مقایسه خود با دیگران می‌پردازند و در این رابطه وقتی احساس فقر و بی‌عدالتی می‌کنند واکنش‌های شدید عاطفی (مانند تعویض شغل، کارشکنی و خودکشی و...) انجام می‌دهند و وقتی این احساس به اعلی درجه خود برسد به احساس تضاد اجتماعی می‌انجامد و تعارضات شدیدی را در پی دارد.

به طور کلی براساس دیدگاه محرومیت نسبی، فرد به مقایسه خود با افراد دیگر و گروه مرجع دست می‌زند و دوست دارد که شرایط مشابه با آنها را داشته باشد و اگر در نتیجه مقایسه برای فرد چنین پنداشتی بروز نماید که براساس میزان سرمایه‌گذاری و تلاش، پاداش و نتیجه‌ای که عایدش شده در مقایسه با دیگران عادلانه و منصفانه نیست

-
1. input
 2. Out put
 3. Relative Deprivation

دچار احساس محرومیت نسبی گردیده و این امر باعث بروز نارضایتی در دو سطح فردی و اجتماعی می‌گردد.

نظریه ارزش منزلت نیز به بررسی عوامل تاثیرگذار بر میزان احساس رفاه از زندگی می‌پردازد. این نظریه، سطوح داده‌ها را به اندازه سطوح پاداش‌ها مورد توجه قرار می‌دهد. برطبق این نظریه هر دو جزء فوق برحسب ارزش‌های منزلتی‌شان یا درجه‌بندی‌های حیثیت^۱ خود، بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد تا براساس ارزش اقتصادی و مصرفی آنها، (که این امر البته مورد توجه نظریه مبادله نیز قرار داشت) برگر و دیگران^۲ استدلال می‌کنند که افراد مفاهیم قالبی^۳ را از طریق ارتباط بین ویژگیهای اجتماعی و درآمدهای خاص با هدفهای عینی گسترش می‌دهند. برگر و دیگران (همانند تأکید هومنز بر تناسب منزلت)، استدلال می‌کنند که مردم انتظار دارند که بین ویژگی ارزش‌های منزلتی یک فرد و پاداش‌های داده شده به او تناسب و همخوانی وجود داشته باشد (کوک و دیگران، ۱۹۹۵: ۹ - ۲۶۸ به نقل از میرسندهی: ۷۸).

براساس دیدگاه ارزش منزلت هر فرد دوست دارد با توجه به موقعیت خود (که شامل سطح تحصیلات، میزان زحمت و تلاش و امکانات و... می‌گردد) منزلت و جایگاه مناسب در جامعه، محل کار و خانواده داشته باشد اگر فرد چنین شرایطی را دارا باشد احساس رضایت از زندگی خواهد داشت و در غیر این صورت، احساس نارضایتی می‌کند.

از جمله نظریات مطرح دیگر در حوزه روانشناسی اجتماعی، نظریه‌های بیگانگی اجتماعی است. باید خاطر نشان ساخت که نظریه‌های اجتماعی که درباره بیگانگی^۴ مطرح شده‌اند تلویحاً در برگیرنده مقوله رضایت از زندگی هم هستند. به عبارت دیگر می‌توان احساس بیگانگی اجتماعی را تلویحاً به معنای تبیین نارضایتی و عدم بهروزی

-
1. Prestige
 2. Berger et al
 3. Stereotype
 4. Stereotype

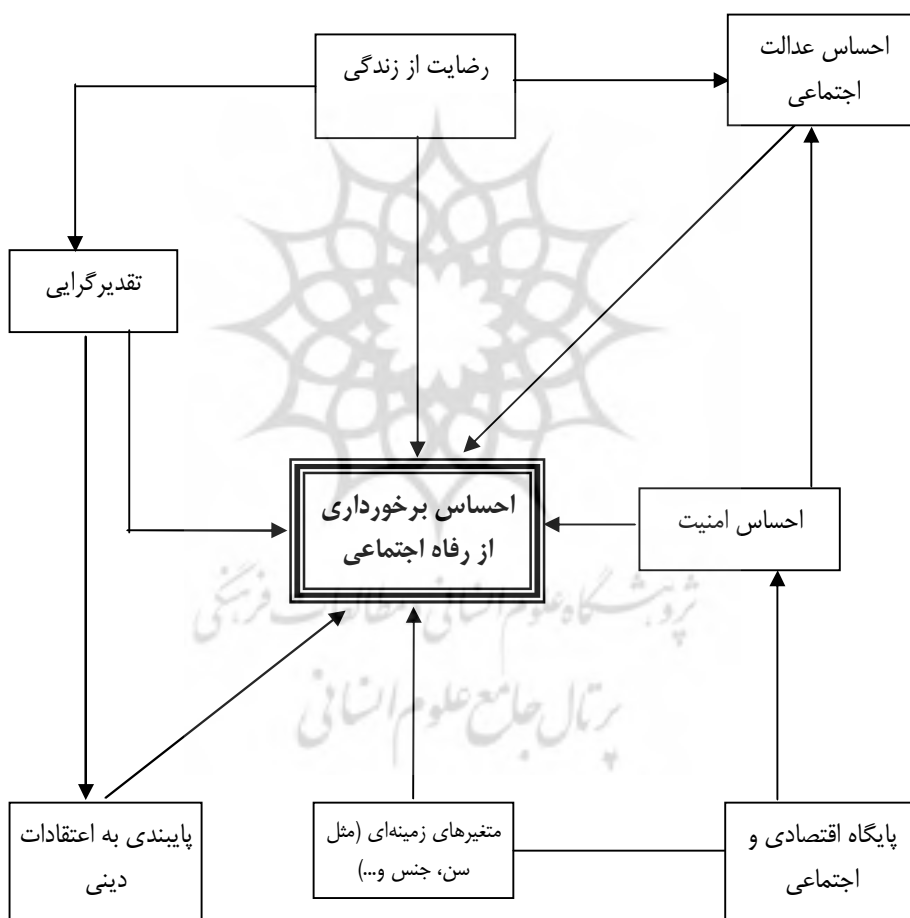
به شمار آورد. به عبارت دیگر بیگانگی اجتماعی به طور کلی به معنای بیگانگی فرد از جنبه‌های اصلی وجود اجتماعی‌اش بوده (محسنی تبریزی، ۱۳۷۳: ۷۳ به نقل از گودرزی، ۱۳۷۸) و به طور ضمنی، مبین نارضایتی و ناخرسندی است. البته مقوله بیگانگی فقط توسط جامعه‌شناسان مطرح نگردیده، بلکه در نظریه‌های روانشناسی هم سخت مورد توجه قرار گرفته است.

با توجه به پیشینه تجربی باید گفت که دینداری نیز با احساس برخوردارگی از رفاه در ارتباط می‌باشد. در این راستا باید گفت که به نظر «گلاک و استارک»، همه ادیان جهان به رغم آن که در جزئیات بسیار متفاوت هستند، دارای حوزه‌های کلی هستند که دینداری در آن حوزه‌ها جلوه‌گر می‌شود. این حوزه‌ها که می‌توان آن‌ها را به مثابه ابعاد اصلی دینداری در نظر گرفت، عبارت‌اند از: اعتقادی، مناسکی، تجربی، فکری و پی‌آمدی (Stark and Glock, 1965: 19-20). بُعد اعتقادی، باورهایی را دربرمی‌گیرند که انتظار می‌رود پیروان آن دین، بدان‌ها اعتقادات داشته باشند. بُعد مناسکی یا عمل دینی، اعمال دینی مشخص نظیر عبادت، نماز، شرکت در آیین‌های مقدس خاص، روزه‌گرفتن و... را که انتظار می‌رود پیروان هر دین آن‌ها را به‌جا آورند، دربرمی‌گیرد. بُعد تجربی یا عواطف دینی، در عواطف، تصورات و احساسات مربوط به برقراری رابطه با وجودی همچون خدا که واقعیت غایی یا اقتدار متعالی است، ظاهر می‌شود. بُعد فکری یا دانش دینی، اطلاعات و دانش اساسی در مورد اصول عقاید دینی و کتب مقدس را انتظار می‌رود پیروان آن‌ها را بدانند، شامل می‌شود. این بُعد معرف مناسکی برای سنجش میزان دینداری فرد نیست، مگر این‌که گرایش‌های فرد را در سایر ابعاد دینی، به‌خصوص در بُعد اعتقاد دینی در نظر بگیریم و بُعد پیامدی یا آثار دینی شامل پیامدهای باور، عمل، تجربه و دانش دینی در زندگی روزمره فرد معتقد و روابط او با سایرین است (سراج‌زاده، ۱۳۸۳: ۶۳-۶۴).

در مجموع مطالعه مبانی نظری نشان می‌دهد که احساس برخوردارگی از رفاه اجتماعی با توجه به دو عنصر ارزیابی از رفاه با توجه به وضعیت فردی خود و

۲۰۱ بررسی میزان احساس بر خورداری از رفاه اجتماعی ...

ارزیابی از مقایسه خود با دیگران و همینطور وجود رضایت، امنیت، پایبندی دینی، احساس بیگانگی و تقدیرگرایی است و با عنایت به مباحث نظری مطرح شده، می توان مدل مفهومی زیر را طراحی نمود:



مدل ۱- مدل مفهومی پژوهش

روش تحقیق پژوهش

این پژوهش به لحاظ نوع روش از نوع تحقیقات توصیفی و تبیینی است و به لحاظ روش جمع‌آوری اطلاعات، پژوهش پیمایشی است. در این پژوهش از پرسشنامه برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز استفاده گردید.

جامعه آماری این پژوهش شامل شهروندان اردکانی بالای ۱۵ سال (اعم از زن و مرد) می‌باشند که در حدود ۵۷۰۰۰ نفر می‌باشند، در تعیین حجم نمونه پژوهش از فرمول عمومی کوکران استفاده گردید که براساس مختصات این فرمول، حجم نمونه ۳۸۵ نفر برآورد گردید.

شیوه نمونه‌گیری در این پژوهش به صورت چندمرحله‌ای است. روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای (خوشه‌ای و تصادفی) به طوری که در گام اول برای انتخاب محلات و مناطق شهر اردکان به صورت خوشه‌ای عمل شد و ۱۴ محله در شهر اردکان مشخص گردید. در گام دوم اقدام به انتخاب بلوک‌ها، خانوارها و افراد گردید، لذا برای انتخاب افراد نمونه از روش نمونه‌گیری تصادفی استفاده شد و پرسشنامه‌ها به صورت تصادفی در بین ساکنان محله‌های مشخص شده مورد پرسش قرار گرفت.

سنججه‌ها

با توجه به مباحث نظری مشخص گردید که رفاه اجتماعی مجموعه شرایط و کیفیت‌هایی است که در آن، نیازهای فردی (جسمی و روانی) و اجتماعی آحاد جامعه در حد قابل قبول تأمین شده و همه مردم از زندگی در آن شرایط دارای احساس امنیت زیستی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی باشند و به عبارتی در ارزیابی از زندگی خود احساس مثبت و در نهایت دارای رضایت از زندگی بالایی باشند، از این رو جهت

بررسی میزان احساس بر خورداری از رفاه اجتماعی ... ۲۰۳

سهولت سنجش رفاه اجتماعی و عوامل موثر بر آن در قالب جدول (۲) نمایش داده داده شده است.

جدول ۱- نحوه عملیاتی کردن مفاهیم و متغیرهای پژوهش

موضوع پژوهش	نوع متغیرها	متغیرهای پژوهش	سؤاها (گویه‌های فرعی)
		احساس بر خورداری از رفاه	۱- احساس فرد از وضعیت جسمانی و سلامتی خود، ۲- احساس فرد از وضعیت استراحت و تفریح خود، ۳- احساس فرد از محل سکونت خود، ۴- وضعیت سواد و تحصیلات فرد، ۵- احساس فرد از شغل خود (در صورت شاغل بودن)، ۶- رضایت از محیط خانوادگی، ۷- احساس فرد از پیشرفت و موفقیت خود در زندگی و ۸- احساس فرد نسبت به روند و وضعیت زندگی
			ارزیابی از رفاه با توجه به وضعیت فردی خود
			۱- از لحاظ منزلت و موقعیت خانوادگی ۲- از لحاظ میزان درآمد ۳- از لحاظ میزان ثروت و دارایی ۴- از لحاظ میزان تحصیلات ۵- از لحاظ مورد احترام دیگران واقع شدن ۶- از لحاظ منزلت و موقعیت خانوادگی
	مستقل		۱- احساس رضایت از زندگی، ۲- سرحال بودن از نظر روحی و عاطفی، ۳- عشق ورزیدن به زندگی، ۴- امید به بهتر شدن زندگی در آینده نسبت به زمان حال، ۴- مناسب بودن موقعیت شغلی، ۵- متناسب بودن درآمد با شغل و ۵- میزان احساس رضایت و خوشبختی

<p>۱- احساس امنیت در منطقه محل سکونت، ۲- احساس امنیت در خصوص حضور به موقع پلیس در هنگام بوجود آمدن مشکل، ۳- میزان نگرانی در خصوص بوجود آمدن هر بحرانی در جامعه و برهم زدن آرامش فعلی جامعه، ۴- نگرانی در خصوص بدتر شدن وضع زندگی در آینده از وضع فعلی، ۵- احتمال بوجود آمدن مشکل در هنگام قدم زدن با خانواده در شب (قبل از ساعت ۱۱ شب)</p>	<p>احساس امنیت</p>			
<p>۱- اعتقاد به دنیای بعد از مرگ ۲- اعتقاد به اینکه بدون پرستش خدا زندگی اصلاً معنا و مفهومی ندارد. ۳- اعتقاد به اینکه دین و دستورات دینی می‌تواند به همه نیازهای انسان پاسخ دهند. ۴- اعتقاد به اینکه راز و نیاز باعث آرامش می‌شود.</p>	<p>بعد اعتقادی</p>	<p>دینداری</p>		
<p>۱- شرکت در مراسم روضه و عزاداری ۲- شرکت در هیات‌های مذهبی ۳- زیارت اماکن متبرکه، ۴- بجا آوردن نمازهای واجب</p>	<p>بعد مناسکی</p>			
<p>در ادارات هر روز یک قانون وضع می‌شود و مردم نمی‌دانند تکلیف آنها چیست، در ادارات با مردم با احترام برخورد می‌شود، نام و اعتبار افراد ناشی از شایستگی آنهاست، در جامعه ما برای هر کاری برنامه‌ای تعریف شده است، در جامعه ما مردم می‌توانند به آن چیزی که استحقاق آن را دارند، برسند.</p>	<p>رویه‌ای</p>	<p>احساس عدالت</p>		
<p>مردم به حداقل درآمد برای زندگی آبرومند دسترسی دارند، در جامعه ما حق و حقوق قومیت‌ها رعایت می‌شود. افراد با نفوذ نمی‌توانند حق و حقوق افراد را پایمال کنند، مجرمینی که پارتی یا پول دارند، براحتی از دست قانون فرار می‌کنند.</p>	<p>توزیعی</p>			

<p>باور به نقش تقدیر در خوشبخت کردن و یا نکردن افراد ، توانایی انسان در تغییر سرنوشت خود، مشخص شدن آینده هر فرد در پیشانی فرد، باور به اینکه هر آنکه دندان دهد، نان دهد. باور به همت و نقش آن در تغییر، تأثیر شانس و اقبال در موفقیت</p>	<p>تقدیر گرایی</p>		
<p>۱- تعداد سال‌های تحصیل (میزان تحصیلات)، ۲- شغل، ۳- منابع درآمد خانوار و خود پاسخگو، ۴- شغل سرپرست خانوار، ۵- میزان هزینه ماهانه خانوار، ۶- وضعیت مالکیت مسکن و ۷- نام منطقه مسکونی</p>	<p>پایگاه آنتن‌های اقتصادی و رفاهی</p>		

اعتبار (روایی) و پایایی (قابلیت اعتماد) ابزار سنجش

به منظور سنجش اعتبار^۱ ابزار سنجش از اعتبار صوری^۲ (استفاده از نظرات کارشناسان و متخصصان ذیربط) استفاده شد و به اصلاح محتوایی و تناسب متغیرها با سؤالات پژوهش اقدام شد. این تحقیق همچنین از اعتبار سازه^۳ نیز برخوردار است، زیرا در آن از تحلیل عاملی اکتشافی^۴ نیز کمک گرفته شده است که با استفاده از روش تحلیل مولفه‌های اصلی^۵، ساختار عاملی پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفت. برای اطمینان از قابلیت اعتماد و پایایی^۶ ابزار و گویه‌های مورد سنجش برای مفاهیم مورد استفاده پژوهش، پرسشنامه اولیه در جمعیت تحقیق مورد پیش‌آزمون قرار گرفت تا نواقص احتمالی پرسشنامه که می‌توانست از نامفهوم بودن گویه‌ها، ترتیب نامناسب گویه‌ها و طولانی بودن پرسشنامه و... باشد، مرتفع گردد. لذا پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها و بررسی نظرات کارشناسان بانک اطلاعاتی تشکیل و پایایی مقیاس‌ها با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برآورد شد و بدین ترتیب پرسشنامه اولیه پس از

-
1. Validity
 2. Face Validity
 3. Construct Validity
 4. Exploratory Factor Analysis
 5. Principal Component Analysis
 6. Reliability

حذف و اصلاح گویه‌ها، نهایی شد. لذا میزان آلفای کرونباخ بدست آمده ابزار تحقیق (۰,۷۶) بزرگتر از ۰,۷۰ می‌باشند و این موضوع نشان دهنده همبستگی درونی بین گویه‌ها برای سنجش مفاهیم مورد نظر است و بدین ترتیب می‌توان گفت که ابزار پژوهش از قابلیت اعتماد یا پایایی لازم برخوردار است. البته در ادامه میزان آلفای بدست آمده هر یک از متغیرها نیز خواهد آمد:

جدول ۲- میزان آلفای بدست آمده برای هر یک از شاخص‌های پژوهش

شاخص	ضریب آلفای کرونباخ	شاخص	ضریب آلفای کرونباخ
ارزیابی از رفاه با توجه به وضعیت فردی	۰,۷۲۰	تقدیرگرایی	۰,۷۳۹
احساس برخورداری از رفاه	۰,۸۰۳	احساس عدالت	۰,۸۱۶
رضایت از زندگی	۰,۷۱۴	دینداری	۰,۷۶۲
احساس امنیت	۰,۷۲۳		

یافته‌ها

سیمای آماری نمونه

- جنسیت: حدوداً نیمی از پاسخگویان مورد مطالعه (۵۰,۵٪) مرد و نیمی دیگر (۴۹,۵٪) زن بودند..
- وضعیت تأهل: بیش از دو سوم (۷۴٪) پاسخگویان متأهل و (۲۵٪) مجرد و مابقی (۱٪) مطلقه و همسر فوت کرده بوده‌اند.
- درآمد ماهیانه: درآمد ماهیانه خانوار در بین ۳۹٪ پاسخگویان کمتر از ۹۰۰ هزار تومان و در بین ۶۱٪ بیشتر از ۹۰۰ هزار تومان بوده است. بیشترین نسبت درآمد مربوط به بین ۹۰۰ تا ۱۱۰۰ هزار تومان (۴۲٪) بوده است. و میانگین درآمد ماهیانه پاسخگویان حدوداً یک میلیون تومان بوده است.

۲۰۷ بررسی میزان احساس بر خورداری از رفاه اجتماعی ...

• سن: دامنه سنی پاسخگویان بین ۱۵ تا ۶۵ سال بود که میانگین سنی آنها ۳۱,۴۹ سال با انحراف معیار ۱۰,۴۴ سال بوده است.

• تحصیلات: بیشترین میزان تحصیلات پاسخگویان در حد فوق دیپلم و لیسانس (۴۳٪) بوده است. پس از آن، پاسخگویان دارای تحصیلات دیپلم (۳۳٪) و کم‌تر از دیپلم (۱۶٪) در مرتبه بعدی قرار دارند. کمترین نسبت تحصیلات نیز مربوط به تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر (۸٪) بوده است.

• شغل: کارمند ساده و معلم (۳۹٪)، بیکار و خانه‌دار (۳۸٪) و آزاد (۱۴٪) به ترتیب بیشترین نسبت پاسخگویان از حیث شغلی را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۳- توزیع نسبی پاسخگویان برحسب ویژگی‌های زمینه‌ای

متغیر		f	%	M	SD	متغیر		f	%	M	SD
جنسیت	مرد	۱۲۸	۳۲	۳۱,۴۹	۱۰,۴۴	زن	۱۹۸	۲۰۲	۵۰,۵	-	-
		۱۵۴	۳۸,۵					۴۹,۵			
	۱۱۸	۲۹,۵	۱۰۰				۴۰۰	کل			
	۶۵	۱۶,۲	۲۹۶				۷۴	متاهل			
وضعیت تأهل	متاهل	۱۳۰	۳۲,۵	-	-	مجرد	۹۹	۲۴,۸	-	-	
		۱۷۲	۴۳				۳	۰,۸			متارکه
	۳۳	۸,۲	۲			۰,۵	همسر فوت کرده				
	۴۰۰	۱۰۰	۴۰۰			۱۰۰	کل				
درآمد ماهیانه	کمتر از ۷۰۰ هزار تومان	۱۳۵	۳۸,۲	-	-	بین ۷۰۰ تا ۹۰۰ هزار تومان	۵۳	۱۳,۲	۱۰۲۱	۶۰۲	هزار تومان
		۲۵	۶,۲				۱۱۰۰ تا ۹۰۱ هزار تومان	۱۶۶			
	کارمند ساده و معلم	۱۵۶	۳۹			بالای ۱۱۰۰ هزار تومان	۷۶	۱۹			
	آزاد	۵۵	۱۳,۸			کل	۴۰۰	۱۰۰			
	مشاغل تخصصی و پردرآمد	۱۱	۲,۸								
	کل	۴۰۰	۱۰۰								

توصیف مقیاس‌ها

نتایج توصیفی متغیرهای تحقیق حاکی از این است که میزان احساس برخورداری از رفاه اجتماعی (متغیر وابسته) در جمعیت نمونه تحقیق در وضعیت متوسط رو به بالا می‌باشد به طوری که میزان احساس برخورداری از رفاه اجتماعی بیش از سه چهارم پاسخگویان (۷۵ درصد) متوسط رو به بالا ارزیابی شده است. میزان ارزیابی از رفاه با توجه به وضعیت فردی ۴۳ درصد از پاسخگویان در حد مطلوبی ارزیابی شده است در حالی که میزان احساس امنیت و میزان رضایت از زندگی هر یک به ترتیب ۴۱ درصد و ۲۵ درصد در حد زیادی ارزیابی شده است. با توجه به دامنه تغییرات و میانگین شاخص‌های بدست‌آمده نیز می‌توان گفت میزان رضایت از زندگی در حد متوسط رو به پائین، میزان احساس امنیت و ارزیابی از رفاه با توجه به وضعیت فردی در حد بالایی قرار دارد. در مجموع میزان تقدیرگرایی و میزان احساس عدالت در بین پاسخگویان در حد پائینی می‌باشد به نحوی که میزان تقدیرگرایی برای (۴۹٪) و میزان احساس عدالت برای (۴۸٪) افراد نمونه تحقیق در حد کمی ارزیابی شده است. آماره‌های توصیفی متغیر «دینداری» نشان داد که وضعیت این شاخص در نمونه تحقیق در حد بالایی بوده است به طوری که میزان دینداری ۶۰٪ از پاسخگویان جمعیت مورد مطالعه در حد بالایی ارزیابی شده است.

جدول ۴- توزیع نسبی پاسخگویان بر حسب متغیرهای تحقیق

ردیف	شاخص	کم	متوسط	زیاد	کل	M	SD
۳	ارزیابی از رفاه با توجه به وضعیت فردی	۵۸	۱۷۲	۱۷۰	۴۰۰	۲۷,۴۷	۴,۷۰
		۱۴,۵	۴۳	۴۲,۵	۱۰۰	(۸-۴۰)	
۴	احساس برخورداری از رفاه اجتماعی	۹۸	۱۴۹	۱۵۳	۴۰۰	۷۱,۱۲	۷,۶۴
		۲۴,۵	۳۷,۲	۳۸,۲	۱۰۰	(۲۲-۱۱۰)	
۱	میزان رضایت از زندگی	۱۳۹	۱۶۰	۱۰۱	۴۰۰	۱۴,۴۰	۲,۰۳
		۳۴,۸	۴۰	۲۵,۲	۱۰۰	(۵-۲۵)	
۲	احساس امنیت	۹۰	۱۴۵	۱۶۵	۴۰۰	۲۹,۲۴	۵,۰۲
		۲۲,۵	۳۶,۲	۴۱,۲	۱۰۰	(۹-۴۵)	
۵	تقدیرگرایی	۱۹۷	۱۴۶	۵۷	۴۰۰	۱۵,۷۸	۳,۵۸
		۴۹,۲	۳۶,۵	۱۴,۲	۱۰۰	(۶-۳۰)	
۶	احساس عدالت	۱۹۲	۱۲۴	۸۴	۴۰۰	۲۰,۶۵	۴,۱۲
		۴۸	۳۱	۲۱	۱۰۰	(۸-۴۰)	
۷	دینداری	۷	۱۵۵	۲۳۸	۴۰۰	۱۴,۷۶	۲,۴۸
		۱,۸	۳۸,۸	۵۹,۵	۱۰۰	(۴-۲۰)	

آزمون رابطه بین متغیرهای مستقل و احساس برخورداری از رفاه اجتماعی

جدول شماره (۵) نتایج روابط بین متغیرهای مستقل (تقدیرگرایی، احساس عدالت، دینداری، رضایت از زندگی و احساس امنیت) با متغیر وابسته (احساس برخورداری از رفاه اجتماعی) را به کمک ضریب همبستگی پیرسون با در نظر گرفتن ملاحظات آماری لازم (کمی بودن مقیاس متغیرها، نرمال بودن توزیع داده‌ها و خطی بودن رابطه بین متغیرها) نشان می‌دهد. ضرایب همبستگی مندرج در این جدول

حاکمی است که به جز متغیر تقدیرگرایی، سایر متغیرهای مستقل رابطه مثبت با احساس برخورداری از رفاه اجتماعی دارند.

به عبارت دیگر با کاهش میزان تقدیرگرایی و افزایش احساس عدالت، دینداری، رضایت از زندگی و احساس امنیت، میزان احساس برخورداری از رفاه اجتماعی افزایش می‌یابد. همچنین در خصوص رابطه بین متغیرهای مستقل با احساس برخورداری از رفاه اجتماعی، نتایج نشان داد که میزان احساس امنیت قوی‌ترین رابطه ($r=0/860$) را با احساس برخورداری از رفاه اجتماعی دارد و رضایت از زندگی ضعیف‌ترین رابطه را با احساس برخورداری از رفاه اجتماعی دارند. ($r=0/270$)

جدول ۵- نتایج حاصل از آزمون رابطه بین متغیرهای مستقل و احساس برخورداری از رفاه اجتماعی

ردیف	فرضیه	ضریب همبستگی پیرسون
۱	رابطه بین تقدیرگرایی و احساس برخورداری از رفاه اجتماعی	$0,385^{**}$
۲	رابطه بین احساس عدالت و احساس برخورداری از رفاه اجتماعی	$0,292^{**}$
۳	رابطه بین دینداری و احساس برخورداری از رفاه اجتماعی	$0,324^{**}$
۴	رابطه بین رضایت از زندگی و احساس برخورداری از رفاه اجتماعی	$0,270^{**}$
۵	رابطه بین احساس امنیت و احساس برخورداری از رفاه اجتماعی	$0,860^{***}$

$p < 0,001$ *** $p < 0,01$ **

پیش‌بین‌های احساس برخورداری از رفاه اجتماعی

به‌منظور سنجش نقش متغیرهای مستقل (تقدیرگرایی، احساس عدالت، دینداری، رضایت از زندگی و احساس امنیت) در پیش‌بینی تغییرات احساس برخورداری از رفاه اجتماعی، از رگرسیون چند متغیره به روش هم‌زمان استفاده شد که نتایج نشان داد متغیرهای مستقل ۷۵٪ از تغییرات متغیر احساس برخورداری از رفاه اجتماعی را تبیین می‌کند.

با مرور جدول (۶) می‌توان گفت، پنج متغیر "تقدیرگرایی"، "دینداری"، "احساس عدالت"، "رضایت از زندگی" و "احساس امنیت" از عوامل پیش‌بینی‌کننده احساس برخورداری از رفاه اجتماعی در بین شهروندان هستند. تأثیر متغیر تقدیرگرایی کاهنده و تأثیر سایر متغیرهای مستقل بر احساس برخورداری از رفاه اجتماعی افزایش‌دهنده است. احساس امنیت بیش‌ترین تأثیر و رضایت از زندگی کم‌ترین تأثیر را بر احساس برخورداری از رفاه اجتماعی دارد. ضریب بتای ۰,۸۴۶ احساس امنیت بدان معناست که به ازای هر انحراف استاندارد افزایش در احساس امنیت، ۰,۸۴۶ انحراف استاندارد احساس برخورداری از رفاه اجتماعی افزایش می‌یابد و برعکس.

جدول ۶- نتایج رگرسیون تأثیر متغیرهای مستقل بر احساس برخورداری از رفاه اجتماعی

سطح معناداری	F	R^2 تعدیل شده	R^2	ضریب همبستگی (R)	شاخص آماری مدل رگرسیون
۰,۰۰۱	۲۴۳,۶۷۵	۰,۷۵۳	۰,۷۵۶	۰,۸۶۹	۱

جدول ۷- مشخص‌کننده‌های آماری، میزان و جهت تأثیر متغیرهای مستقل بر احساس برخورداری از رفاه اجتماعی

مدل	شاخص آماری	b	SES	β	t	p
عدد ثابت		۶۵,۹۸۶	۳,۱۴۸	-	۲۰,۹۶۲	۰,۰۰۱
احساس امنیت		۱,۲۸۶	۰,۰۴۵	۰,۸۴۶	۲۸,۵۳۴	۰,۰۰۱
تقدیرگرایی		-۰,۶۱۶	۰,۰۹۸	-۰,۲۸۹	-۶,۲۵۸	۰,۰۰۱
دینداری		۰,۶۴۰	۰,۱۴۲	۰,۲۰۸	۴,۵۱۷	۰,۰۰۱
احساس عدالت		۰,۲۶۲	۰,۰۵۸	۰,۲۰۲	۴,۴۸۳	۰,۰۰۱
رضایت از زندگی		۰,۳۵۳	۰,۱۰۳	۰,۱۹۴	۳,۴۲۵	۰,۰۰۱

با توجه به اینکه متغیر احساس امنیت در مرحله قبل بیش‌ترین تأثیر را بر احساس برخورداری از رفاه اجتماعی داشت، در این قسمت و به منظور ادامه دادن فرایند تحلیل مسیر، متغیر احساس امنیت را به عنوان متغیر وابسته میانی در نظر گرفته و تأثیر سایر متغیرهای مستقل روی آن مورد بررسی قرار می‌گیرد که نتایج آن به قرار زیر است؛

جدول ۸- نتایج رگرسیون تأثیر متغیرهای مستقل بر احساس امنیت

مدل رگرسیون	شاخص آماری	R	R^2	$R^2_{Adj.}$	F	p
۴		۰,۵۴۳	۰,۲۹۵	۰,۲۸۸	۴۱,۳۰۷	۰,۰۰۱

جدول ۹- مشخص‌کننده‌های آماری، میزان و جهت تأثیر متغیرهای مستقل بر احساس امنیت

مدل	شاخص آماری	b	SES	\square	t	p
عدد ثابت	۳۶,۴۴۶	۲,۵۲۸	-	۱۴,۴۱۶	۰,۰۰۱	
تقدیرگرایی	-۰,۳۴۹	۰,۰۶۴	-۰,۲۴۹	-۵,۴۱۴	۰,۰۰۱	
دینداری	۰,۲۷۱	۰,۰۹۰	۰,۱۳۴	۳,۰۰۸	۰,۰۰۳	
احساس عدالت	۰,۱۶۲	۰,۰۳۷	۰,۱۹۰	۴,۳۴۵	۰,۰۰۱	
رضایت از زندگی	۰,۶۲۸	۰,۱۱۱	۰,۲۵۵	۵,۶۶۹	۰,۰۰۱	

نتایج جدول فوق حاکی از این است که چهار متغیر "تقدیرگرایی"، "دینداری"، "احساس عدالت"، "رضایت از زندگی" و از عوامل مؤثر بر احساس امنیت هستند و این متغیرها قادرند ۲۹٪ از تغییرات احساس امنیت را تبیین کنند. تأثیر متغیر تقدیرگرایی بر احساس امنیت منفی (کاهنده) و تأثیر سایر متغیرهای مستقل بر احساس امنیت مثبت (افزاینده) است.

نتایج حاصل از تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر احساس برخورداری از رفاه اجتماعی در اجرای تحلیل مسیر، متغیرهای «تقدیرگرایی»، «احساس عدالت»، «دینداری»، «رضایت از زندگی» و «احساس امنیت» به عنوان متغیرهای مستقل معرفی شدند و متغیر وابسته اصلی و نهایی این پژوهش «احساس برخورداری از رفاه اجتماعی» است که در این قسمت، به بررسی نتایج حاصل از تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر آن پرداخته می‌شود. البته قبل از اشاره به این نتایج، باید گفت که متغیرهای مستقل به سه شیوه (الف- اثر صرفاً مستقیم، ب- اثر صرفاً غیرمستقیم، ج- اثر مستقیم و هم غیرمستقیم) و با

ضریب تأثیر مختلف بر احساس برخورداری از رفاه اجتماعی (بعنوان متغیر وابسته) تأثیر داشته‌اند که در زیر به بررسی سهم نسبی تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته پرداخته می‌شود.

۱- متغیرهایی که صرفاً بطور مستقیم بر متغیر وابسته تأثیر می‌گذارند؛

متغیر "احساس امنیت" با ضریب تأثیر (۰,۸۴۶) بر احساس برخورداری از رفاه اجتماعی تأثیر افزایش‌دهنده دارد، به بیانی دیگر با افزایش احساس امنیت اجتماعی، احساس برخورداری از رفاه اجتماعی با شدتی قوی افزایش می‌باید.

متغیر "تقدیرگرایی" با ضریب تأثیر (۰,۲۸۹-) بر احساس برخورداری از رفاه اجتماعی تأثیر کاهش‌دهنده دارد، به بیانی دیگر با افزایش تقدیرگرایی، احساس برخورداری از رفاه اجتماعی با شدتی ضعیف کاهش می‌باید.

متغیر "دینداری" با ضریب تأثیر (۰,۲۰۸) بر احساس برخورداری از رفاه اجتماعی تأثیر افزایش‌دهنده دارد، به بیانی دیگر با افزایش دینداری، احساس برخورداری از رفاه اجتماعی با شدتی ضعیف افزایش می‌باید.

متغیر "احساس عدالت" با ضریب تأثیر (۰,۲۰۲) بر احساس برخورداری از رفاه اجتماعی تأثیر افزایش‌دهنده دارد، به بیانی دیگر با افزایش احساس عدالت، احساس برخورداری از رفاه اجتماعی با شدتی ضعیف افزایش می‌باید.

متغیر "رضایت از زندگی" با ضریب تأثیر (۰,۱۹۴) بر احساس برخورداری از رفاه اجتماعی تأثیر افزایش‌دهنده دارد، به بیانی دیگر با افزایش رضایت از زندگی، احساس برخورداری از رفاه اجتماعی با شدتی ضعیف افزایش می‌باید.

۲- متغیری که علاوه بر تأثیر مستقیم بصورت غیر مستقیم (با واسطه متغیر احساس امنیت) بر احساس برخورداری از رفاه اجتماعی تأثیر می‌گذارند؛

متغیر "تقدیرگرایی" با واسطه متغیر احساس امنیت (با ضریب ۰,۲۴۹) تأثیر کاهش‌دهنده بر احساس برخورداری از رفاه اجتماعی دارد،

۲۱۵ بررسی میزان احساس برخورداری از رفاه اجتماعی ...

متغیر "دینداری" با واسطه متغیر احساس امنیت (با ضریب ۰,۱۳۴) تأثیر افزایشده بر احساس برخورداری از رفاه اجتماعی دارد.

متغیر "احساس عدالت" با واسطه متغیر احساس امنیت (با ضریب ۰,۱۹۰) تأثیر افزایشده بر احساس برخورداری از رفاه اجتماعی دارد.

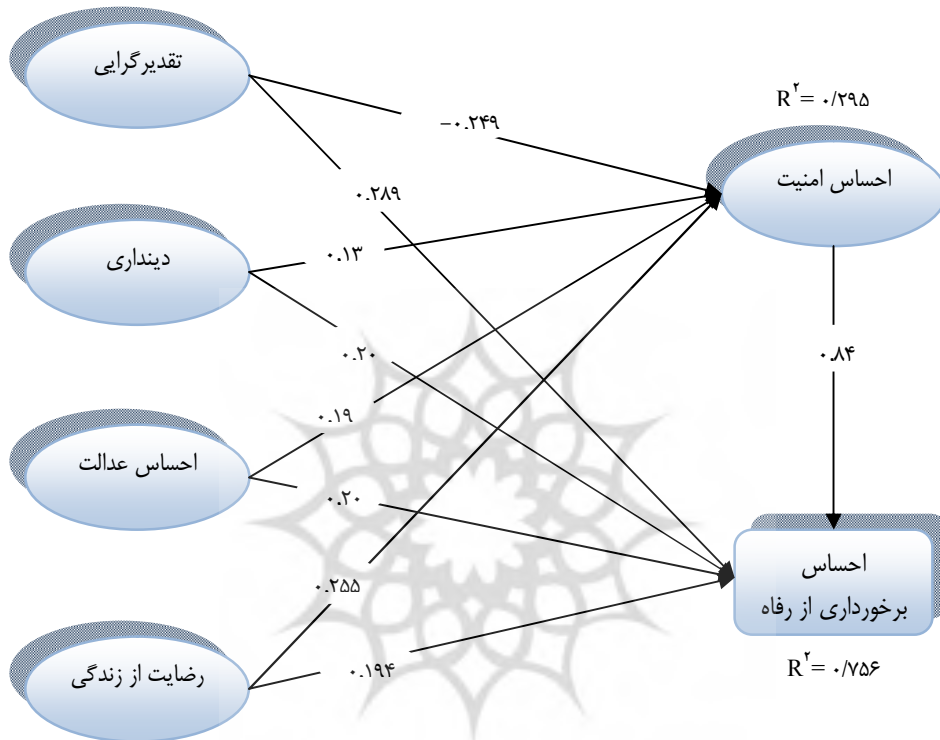
متغیر "رضایت از زندگی" با واسطه متغیر احساس امنیت (با ضریب ۰,۲۵۵) تأثیر افزایشده بر احساس برخورداری از رفاه اجتماعی دارد.

نتایج حاصل از تحلیل مسیر عوامل موثر بر احساس برخورداری از رفاه اجتماعی در این پژوهش به قرار زیر است:

جدول ۱۰- نتایج حاصل از تحلیل مسیر عوامل موثر بر احساس برخورداری از رفاه اجتماعی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم	کل اثر
احساس امنیت	احساس برخورداری از رفاه اجتماعی	۰,۸۴۶	-	۰,۸۴۶
تقدیرگرایی		-۰,۲۴۹	$(-۰,۲۴۹) \times (۰,۸۴۶) = (-۰,۲۱۰)$	-۰,۴۵۹
دینداری		۰,۲۰۸	$(۰,۱۳۴) \times (۰,۸۴۶) = (۰,۱۱۳)$	۰,۳۲۱
احساس عدالت		۰,۲۰۲	$(۰,۱۹۰) \times (۰,۸۴۶) = (۰,۱۶۰)$	۰,۳۶۲
رضایت از زندگی		۰,۱۹۴	$(۰,۲۵۵) \times (۰,۸۴۶) = (۰,۲۱۵)$	۰,۴۰۹

مدل ۲- مدل تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر احساس بر خورداری از رفاه اجتماعی



بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش به بررسی میزان احساس بر خورداری از رفاه اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین شهروندان شهر اردکان پرداخته شد. نتایج توصیفی شاخص‌های تحقیق نشان داد که میزان احساس بر خورداری از رفاه اجتماعی (متغیر وابسته) در جمعیت نمونه تحقیق در وضعیت متوسط رو به بالا می‌باشد به طوری که میزان احساس بر خورداری از رفاه اجتماعی بیش از سه چهارم پاسخگویان (۷۵ درصد) متوسط رو به بالا ارزیابی شده است. به نحوی که میزان ارزیابی از رفاه با توجه به وضعیت فردی ۴۳ درصد از پاسخگویان در حد مطلوبی ارزیابی شده است در حالی که میزان احساس امنیت و

میزان رضایت از زندگی هر یک به ترتیب ۴۱ درصد و ۲۵ درصد در حد زیادی ارزیابی شده است. با توجه به دامنه تغییرات و میانگین شاخص‌های بدست‌آمده نیز می‌توان گفت میزان رضایت از زندگی در حد متوسط رو به پائین، میزان احساس امنیت و ارزیابی از رفاه با توجه به وضعیت فردی در حد بالایی قرار دارد. متغیرهای مستقلی که قرار است تأثیر آنها بر احساس برخورداری از رفاه اجتماعی بررسی شد، رضایت اجتماعی، امنیت تقدیرگرایی، احساس عدالت و دینداری بودند که تأثیر مجموع متغیرها، به غیر از تقدیرگرایی در شکل افزایش‌دهنده بود.

لذا با توجه به اهمیت احساس برخورداری از رفاه اجتماعی باید در جستجوی راهمایی بود که بتوان آن را افزایش داد، از این رو با توجه به نتایج پژوهش حاضر پرداختن به مولفه‌هایی مانند احساس امنیت اجتماعی، احساس عدالت اجتماعی، رضایت اجتماعی و به عبارتی به «تحقق اهداف جمعی از سوی مسئولین» پرداخته شود، زیرا متغیرهای فوق دارای بالاترین ضریب همبستگی با احساس برخورداری از رفاه اجتماعی می‌باشند و عدم توجه به آنها می‌تواند باعث گسترش نارضایتی و در نتیجه شکاف بین "مردم با همدیگر" و "مردم و مسئولین" گردد. زیرا نتیجه حکایت از آن دارد که هر چه افراد به لحاظ اجتماعی و فضای عمومی جامعه نگران شوند، به فرد گرایی پناه برده و سعی دارند که برای "آینده شخصی خود" سرمایه گذاری کنند و به فکر امنیت شخصی خودشان باشند و در نتیجه از میزان روحیه جمع گرایی آنها کاسته می‌شود، لذا بیگانگی اجتماعی بعنوان یک عامل مهم کاهشدهنده میزان احساس رفاه اجتماعی در بُعد فرامادی است. پس با توجه به وضعیت جامعه ما که یک جامعه "در حال گذار" هستیم، عدم توجه به هر یک از شاخص‌های مذکور (در بخش نتایج پژوهش) می‌تواند تأثیر فزاینده‌ای بر بهم ریختن انسجام و یکپارچگی داشته و در نتیجه به عنوان سدی مانع برقراری احساس برخورداری از رفاه اجتماعی گردد.

در ضمن اگر بخواهیم افق نگاه خود را به مسائل کلان اجتماعی در جهت جامعه‌ای با رفاه اجتماعی مطلوب معطوف کنیم، با توجه به نتایج بدست آمده، می‌توان

خاطر نشان ساخت که باید زمینه‌هایی که رضایت اجتماعی را برآورده می‌سازد، افزایش یابد. لذا در جهت تامین رضایت اجتماعی باید شبکه ارتباطی بین مردم و مسئولین گسترده‌تر شود و یک نوع تعامل دوطرفه بوجود آید، در واقع گسترش همکاری و تعاون موجب می‌شود که مردم به مسئولین بیشتر اعتماد کنند و نوعی شفافیت در روابط بین آنها و انتقال خواسته‌ها، نیازها و مطالبات و همینطور پیگیری آنها پدید آید. این موضوع از جمله مواردی است که امروزه بیشتر از گذشته بدان نیاز است، از طرف دیگر با توجه به تغییراتی که در چند دهه اخیر صورت گرفته است (افزایش جمعیت، رشد شهرها، تحولات اقتصادی و اجتماعی و...) موضوع اعتماد و ارتباط با مسئولین و وجود مکانیزم‌هایی برای تعدیل بی‌اعتمادی و عوامل موثر بر آن می‌تواند بصورت مستقیم در احساس امنیت اجتماعی و روانی و همینطور رضایت اجتماعی و بصورت غیر مستقیم در احساس بر خورداری از رفاه اجتماعی مؤثر واقع گردد.

در سوالی که در مورد عوامل ایجاد کننده رفاه در بین پاسخگویان بود، نتایج نشان می‌دهد که قشر جوان عمدتاً دغدغه امکانات مادی و کار را دارند. بیکاری معضل اجتماعی دیگری است که هم مانع احساس بر خورداری از رفاه به شمار می‌رود و هم دلیل بوجود آوردن نگرانیهای اقتصادی از عوامل استرس‌زای اجتماعی محسوب می‌شود. دولت و مسئولین (با بهره‌گیری حداکثری و بهینه از امکانات موجود) می‌تواند با اشتغال زایی، کاهش اختلاف طبقاتی و برقراری عدالت اجتماعی از مشکلات اقتصادی مردم بکاهند و در نتیجه بر احساس رفاه اجتماعی بیفزایند.

در مجموع باید با شناخت از نیازمندی‌های جامعه به خصوص قشر جوان در ابعاد مختلف به برنامه ریزی در جهت رفاه حال آنها و امور تربیتی و فرهنگی آنها (و در نتیجه به ایجاد سرمایه گذاری درازمدت، ولی اساسی برای جامعه) پرداخت، زیرا جامعه‌ای که نوجوانان و جوانان با شوق و دارای نشاط و امید به آینده نداشته باشد، نمی‌تواند مدعی برقراری رفاه اجتماعی در معنای عام آن باشد.

احساس عدالت (علی الخصوص عدالت توزیعی) نیز از جمله پارامترهایی می‌باشد که نقش برجسته خود را در ایجاد رفاه اجتماعی نشان داد، از این رو تلاش در جهت توزیع عادلانه امکانات در بین کلیه اقشار و مناطق می‌تواند به احساس برخورداری از رفاه آنها کمک کند. این موضوع در بخش نظری (مباحث عدالت اجتماعی و تئوری برابری) و نیز نتایج استنباطی پژوهش نیز مورد تأیید قرار گرفت. باید توجه داشت که نابرابری در جامعه احساس بی‌عدالتی و بیگانگی اجتماعی بوجود می‌آورد و همین احساس باعث پایین آمدن میزان احساس برخورداری از رفاه اجتماعی خواهد شد، در ضمن بخشی از احساس برخورداری از رفاه در اثر مقایسه شرایط خود با دیگران بدست می‌آید. و اگر فرد در مقایسه این شرایط متوجه نوعی بی‌عدالتی شود، خود بخود احساس رفاه کمتری خواهد داشت. البته در کنار اصل برابری، جهت تحقق هر چه بیشتر رفاه اجتماعی باید به اصل استحقاق نیز توجه داشت، یعنی اگر اصل اول عدالت اجتماعی را اصل برابری (یعنی توزیع مناسب منابع و امکانات و دسترسی برابر به آنها) بدانیم، اصل دوم آن اصل استحقاق (یعنی توجه به شایستگی‌ها و میزان تلاش افراد در جامعه) می‌باشد و ما آن را تحت عنوان اصل نابرابری می‌دانیم و در واقع عدالت مساوی اصل برابری بعلاوه اصل نابرابری است.

لذا جهت تحقق عدالت اجتماعی به عنوان یکی از ارکان اساسی رفاه اجتماعی، داشتن برنامه‌ریزی اساسی در تصمیم‌گیری‌ها و فراهم آوردن امنیت خاطر در جامعه در ابعاد مختلف باعث می‌شود که مردم از نظر روانی احساس آرامش داشته باشند. از این رو مسأله تأمین امنیت روانی موضوع مهم دیگری است که لازم است مورد توجه قرار گیرد. شایان ذکر است که امنیت دارای ابعاد متفاوتی می‌باشد و لازم است که مردم از حداقل‌های امنیت در حوزه جانی، مالی و آزادی بیان برخوردار باشند و اما جدا از مسائل فعلی امنیت، اطمینان داشتن از توانایی تأمین زندگی در سال‌های پیری و از کارافتادگی، اطمینان داشتن از اینکه فرد می‌تواند در موقع بیماری از امکانات پزشکی و درمانی مطلوب بهره‌مند شود از جمله مسائلی هستند که زمینه امنیت روانی افراد را

فراهم می‌کند. در مجموع عملکرد بهینه سازمان‌های انتظامی، رفاهی و تأمین اجتماعی می‌تواند در تأمین امنیت روانی، اجتماعی و اقتصادی افراد جامعه نقش مهمی ایفا کند. همچنین برای ایجاد یک نظام کارآمد به منظور نیل به رفاه اجتماعی همه جانبه و پایدار در جامعه مورد مطالعه و حتی در کل کشور ایران با توجه به اینکه نیازمند سازمان‌های دولتی و دواطلبانه، نهاد خانواده و بازارهای کار و... هستیم، لذا ارائه سیاست‌ها و راهکارهای زیر ضروری به نظر می‌رسد:

۱. رعایت عدالت توزیعی و تمرکز زدایی از نظام رفاهی در ایران در استان‌های کشور جهت دسترسی به فرصت‌ها و منابع؛ با توجه به اینکه رفاه دارای دو بعد عینی و ذهنی است و در بعد عینی باید به استانداردها توجه گردد و در بعد ذهنی باید به نگرش‌ها، ترجیحات و اولویت‌های هر منطقه توجه داشت.
۲. هماهنگی و همکاری همه جانبه حوزه‌های اجتماعی با حوزه‌های سلامت و بهداشت که اگر چه در سال‌های گذشته گام‌های نسبتاً خوبی در این زمینه برداشته شد، اما هنوز خلأهای اساسی در این زمینه وجود دارد.
۳. گسترش خدمات درمانی و رفاهی بصورت هدفمند در بین طبقات پایین و آسیب پذیر جامعه با اقدامات عملی و عینی مانند خدمات رایگان به خانوارهای کم درآمد با توجه به رویکرد چتر حمایتی دولت می‌تواند در احساس بر خورداری از رفاه موثر باشد
۴. از آنجا که بر خورداری از حقوق شهروندی به ویژه در ابعاد اجتماعی و رفاهی آن از پایه‌ای ترین موضوعات مورد توجه در بحث نظام رفاهی است، لذا هر گونه کوشش در این زمینه می‌تواند بسیار راهگشا و مفید باشد. در این زمینه احیاء و تقویت حقوق شهروندی در ابعاد گوناگون آن و در حوزه‌های مختلف اجتماعی زمینه را برای هرگونه احساس رفاه ذهنی آماده خواهد ساخت.

۶. وجود قوانین و مقررات به روز و کارآمد در حوزه رفاه اجتماعی که مطابق با نیازهای شهروندان باشد و همچنین ضمانت‌های اجرایی موثر و عملی در این زمینه می‌تواند تا حدود زیادی مشکلات را کاهش و احساس امنیت روانی را افزایش دهد.

۷. نظام رفاهی خصوصاً در حوزه سلامت در ایران هنوز بعنوان یک نظام هزینه بر شناخته می‌شود و این در حالی است که باید بعنوان نظام سرمایه‌گذاری شناخته شود. به این معنا که انجام هر گونه هزینه در نظام سلامت باید به مثابه نوعی سرمایه‌گذاری در جهت سلامت و رفاه اجتماعی شهروندان محسوب شود. چرا که شهروندان سرمایه‌های انسانی جامعه هستند و هر چقدر سرمایه‌های انسانی دارای سلامت و رفاه اجتماعی باشند، جامعه نیز از سرمایه اجتماعی و سلامت و رفاه برخوردار خواهد بود. در واقع، هزینه برای سلامت تضمین‌کننده سلامت فردی و اجتماعی و در نهایت تضمین‌کننده سرمایه اجتماعی، مشارکت اجتماعی، انسجام و همبستگی اجتماعی و جامعه‌ای سالم و به دور از آسیب‌های اجتماعی خواهد بود.

۸. وجود یک بانک اطلاعاتی برای جمع‌آوری داده‌های مربوط به فقر و اقشار کم برخوردار در کشور و تدوین شاخص‌های مناسب برای سنجش رفاه و فقر در جامعه و استفاده از روش‌های سنجش و ارزیابی واحد از شاخص‌ها که بتوان روند تغییرات آنها را در طی زمان مورد مقایسه و ارزیابی قرارداد.

ارائه یک الگوی رفاه اجتماعی مناسب برای ارائه خدمات حمایتی و اجتماعی ضرورت دارد و در این راستا باید به استمرار سیاست رفاهی اتخاذ شده با شفاف سازی مفاهیم، راهکارها و برنامه‌های اجرایی دقیق و حاکمیت یک الگوی رفاهی مناسب پرداخت.

منابع

- آراسته خو. محمد. (۱۳۷۴)، *تأمین و رفاه اجتماعی*، تهران: انتشارات پیام نور.

- الوانی. سیدمهدی. (۱۳۷۸)، «نظریه برابری»، **مجموعه مقالات رفتار سازمانی**، مرکز آموزش مدیریت دولتی، چاپ اول.
- حق جو. داود. (۱۳۸۱)، رفاه اجتماعی و توسعه (مروری بر کارکرد برخی نهادهای حمایتی)، **فصلنامه رفاه اجتماعی**، دوره دوم، شماره ۶.
- رفیع پور. فرامرز (۱۳۷۸)، **آنومی یا آشفتگی اجتماعی** (پژوهشی در زمینه پتانسیل آنومی در شهر تهران)، تهران: انتشارات سروش.
- زاهدی اصل، محمد. (۱۳۸۱)، **مبانی رفاه اجتماعی**، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- سازمان بهزیستی. (۱۳۷۷)، **رفاه اجتماعی بیم‌ها و امیدها**، تهران: انتشارات سازمان بهزیستی.
- صفدری، سلمان. (۱۳۷۴)، «رضایت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن»، **پایان نامه کارشناسی ارشد رشته پژوهشگری اجتماعی**، دانشکده ادبیات، دانشگاه شهید بهشتی.
- صفری شالی، رضا. (۱۳۹۲)، بررسی گفتمان عدالت اجتماعی در دولت‌های پس از انقلاب اسلامی ایران، **رساله دکتری منتشر نشده**، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
- عباسیان، معصومه. (۱۳۸۲)، بررسی رفاه اجتماعی در چارچوب اقتصاد اسلامی، **پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه الزهراء**، تهران.
- غفاری، غلامرضا؛ تمیزی‌فر، ریحانه. (۱۳۹۱)، تبیین تحول ارزشی و ارتباط آن با نگرش‌های رفاهی، **فصلنامه تحقیقات رفاه اجتماعی**، سال اول، شماره دوم.
- غفاری، غلامرضا؛ حبیب پور گتایی، کرم. (۱۳۹۳)، **سیاست اجتماعی؛ بنیانهای مفهومی و نظری**، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- غفاری، غلامرضا؛ تاج‌الدین، محمدباقر. (۱۳۸۴)، شناسایی مولفه‌های محرومیت اجتماعی، **فصلنامه رفاه اجتماعی**، سال چهارم، شماره ۱۷.

۲۲۳ بررسی میزان احساس بر خورداری از رفاه اجتماعی ...

- فیتزپتریک. تونی. (۱۳۸۱)، *نظریه رفاه*، ترجمه: هرمز همایون پور، تهران: انتشارات موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی و گام نو.
- - گودرزی، محسن. (۱۳۷۸)، «*رضایت از زندگی و تحولات فرهنگی در ایران*»، تهران: انتشارات روش.
- مازلو، آبراهام اچ. (۱۳۶۷)، *انگیزش و شخصیت*، ترجمه: احمد رضوانی، چاپ اول، مشهد: آستان قدس رضوی.
- موسی‌خانی، غلامرضا. (۱۳۷۹)، تجزیه تحلیل رفاه اجتماعی در ایران، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده*، دانشگاه شیراز، شیراز.
- - میرسندهی، سیدمحمد. (۱۳۷۵)، «*عوامل مؤثر بر درک مردم از عدالت و رابطه آن با برابری (نابرابری) مطالعه موردی شهر مشهد*»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته پژوهشگری اجتماعی دانشگاه شهید بهشتی*.
- نخجوانی، سید احمد. (۱۳۸۱)، *رفاه اقتصادی خانوارهای کشور (۱۳۸۰ تا ۱۳۶۰)*، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال دوم، شماره ۶.
- هزارجریبی، جعفر؛ صفری شالی، رضا. (۱۳۹۱)، *آناتومی رفاه اجتماعی*، تهران: انتشارات جامعه و فرهنگ.
- - ورسلی، پتر. (۱۳۷۲)، «*جامعه‌شناسی مدرن*»، ترجمه: حسن پویان، چاپ اول، تهران: انتشارات چاپ پخش.
- یزدانی، فرشید. (۱۳۸۲)، *مفاهیم بنیادی در مباحث رفاه اجتماعی، فصلنامه رفاه اجتماعی*، ویژه نامه شماره ۱۰، ویژه نامه سیاست اجتماعی.
- McGillivray, Mark & Matthew, Clark. (2006). *Human well-being: concept and measures* Palgravemaillan.
- Diener, E. D. (2005). *Guidelines for national indicator of subjective well-being and ill-being*, University of Illinois, 1- 7 .

- Tumen, S. & Zeydanli. (2013). *Day –of- the-Week effects in subjective well-being: Does selectively matter?*, springer science +business media Dordrecht.
- O'Brien, Martin And Penna, Sue. (1998). *Theorising Welfare: Enlightenment and Modern Society*, London: SAGE Publications.

